

**بهای اهتزاز**  
نمساول • (مذاکرات مجلسین) - سالیانه ۳۰۰ ریال  
نست دوم • (آگهی ها) ۶۰۰  
شماره کامل ۸۰۰



**محل اداره**  
مجلس شورای ملی  
شماره تلفن • ۳۸۸۹۶ و ۳۸۸۹۵ و ۳۸۸۹۴ و ۳۸۸۹۳  
روزنامه یومیه

# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل • کلیه قوانین مصوبه و مقررات • گزارش کمیسیونها • صورت مشروح مذاکرات مجلسین • اخبار مجلس • انتصابات • آگهی های رسمی و قانونی

سال هفتم

شنبه ۲۴ آذرماه ۱۳۳۰

شماره ۱۹۹۰

شماره مسلسل ۲۱۱

دوره شانزدهم مجلس شورای ملی

## مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۲۱۱

صورت مشروح مذاکرات مجلس روزیکشنبه هفدهم آذرماه ۱۳۳۰  
فهرست مطالب:

- ۱- اعلام پخش مذاکرات مجلس از رادیو و قرائت صورت غائبین
  - ۲- بیانات قبل از دستور آقایان: آشتیانی زاده - فرهودی - شوشتی - جمال امامی
  - ۳- بیانات آقایان: فرامرز - دکتر بقائی - مکی - ملک مدنی طبق ماده ۹۰ آیین نامه
  - ۴- توضیحات آقای وزیر کشور راجع بواقعه ۱۴ آذر و تقدیم لایحه برقراری مستیری درباره ورثه مرحوم سرهنگ نوریشاد
  - ۵- طرح فوریت لایحه مستیری ورثه سرهنگ نوری شاد
  - ۶- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه
- مجلس ساعت دو ربع صبح بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید.

### ۱- اعلام پخش مذاکرات مجلس از رادیو و قرائت صورت غائبین

**رئیس -** بطوری که خاطر آقایان مسبق است بیانات آقایان نمایندگان وسیله رادیو با اطلاع تمام مردم خواهد رسید خواستم آقایان مسبق باشند البته وضع مذاکرات طوری باشد که بتوانند شنوند و تأمل فرمایند که من خبر بدهم که متصل بکنند بعد مذاکره بفرمائید مقصود این است که همه به نباشد (صحیح است) جلسه افتتاح می شود صورت غائبین جلسه پیش قرائت می شود (شرح زیر قرائت شد)

غائبین با اجازه آقایان: مجتبی دولت بادی • عباسی • اردلان • معذل

رضوی • مخبر فرهمند • طباطبائی • خزیمه علم • غائبین بی اجازه آقایان: صدر میر حسینی • جواد مسعودی • ارباب گبو • صدری • کورداغلی • قاسم فولادوند • امیری فراگزلو • ابتهاج • حسن اکبر • غلامرضا فولادوند • ناظر زاده • خسرو قشقائی • جواد هامری • ابوالفتح فخرمان دولتشاهی • شهاب خسروانی • دکتر مصباح زاده • دیرآمدگان با اجازه آقایان: سلطانی • یک - است • هراتی یک - است • رئیس - آقای فرهودی

**فرهودی -** آقای جواد مسعودی را جزو غائبین بی اجازه خوانند ایشان

شرحی به بنده نوشته اند که مریض هستند و درارو با نعت معالجه می باشند تقدیم کمیسیون معاسبات می کنم به علاوه راجع بدستور هم خواستم عرض کنم که یک لایحه است مربوط به کمک شیروخورشید سرخ (زنک رئیس) که در کمیسیون های دارائی و دادگستری تصویب شد و تا بلوی آنرا هم گذاشته اند از جناب آقای رئیس خواهش می کنم که این را جزو دستور قرار بدهند

**رئیس -** بعد از لایحه راه وزندانان جزو دستور قرار می گیرد ولی این مطلب مربوط بصورت مجلس نبود آقای آشتیانی زاده نسبت بصورت مجلس نظری دارید ؟

**آشتیانی زاده -** عرضی نداختم **رئیس -** آقای قاسم فولادوند **قاسم فولادوند -** بنده در جلسه قبل مریض بودم و اطلاع دادم وسیله مراسله که مریض هستم

**رئیس -** اصلاح میشود آقای دولت شاهی نسبت بصورت مجلس نظری دارید ؟ **دولتشاهی -** روز پنجشنبه صبح

واسطه کسالت بنده به مجلس شورای ملی تلفن کردم که پس از یک مختصر معالجه ای به مجلس خواهم آمد بدبختانه باید عرض کنم که وقتی به مجلس می آمدم در خیابان شاه آباد گرفتار یک دسته از همقطاران بیمه شدم که ... (زنک رئیس)

**رئیس -** این مربوط بصورت مجلس نیست

**صفائی -** این علت غیبت است **رئیس -** علت غیبت را باید بمن بنویسند که من تصویب کنم اگر هر کسی بیاید علت غیبت را این جا بگوید این که نمی شود

**دولتشاهی -** قربان بنده را می

خواستند بکشند نوری خیابان پلیس من را نشان می داد بیش از این عرضی ندارم **رئیس -** دیگر نظری نسبت بصورت مجلس نیست ؟ (نورالدین امامی - صورت جلسه که داده نشده است) صورت جلسه را به آقایان نداده اند (گفته شد - خیر) پس این اعتراضات مربوط بچه بود من خیال می کردم به آقایان داده شده (صفائی - اعتراضات روی غیبتها بود) سؤال شد معلوم می شود بعلمت اشکالات فنی چایخانه صورت مجلس حاضر و توزیع نشده آقای آشتیانی زاده بفرمائید

**۳- بیانات قبل از دستور آقایان: آشتیانی زاده - فرهودی - شوشتی - جمال امامی** (پیراسته - آزاد) (آقای آشتیانی زاده طوماری در دست داشتند و بطرف تریبون آمدند)

**صفائی -** آقای آشتیانی زاده شما بنابود بالوله بیائید (زنک رئیس) **رئیس -** آقای صفائی توجه کنید ناچارم به آقایانی که همه می کنند و بین الانته صحبت می کنند تذکر بدهم چون تمام مردم باید بشنوند و اگر آقایان گوش ندهند مجبورم که آیین نامه را اجرا کنم بفرمائید آقای آشتیانی زاده

**آشتیانی زاده -** حوادث ۱۴ آذر دومین لکه بدنامی را بردامانده دکتر مصدق زد و دستهای این پیرمرد را باید بدون رضای خودش در خون بیگناهان فروبرد

اولین حادثه جنایت بار تیرباران کردن بی گناهان در فاجعه بیست و سوم تیرماه بود کمیسیونی که برای تحقیق در علت اساسی فاجعه ۲۳ تیر تشکیل شد نتوانست مسئولیت و مداخله عمدی پلیس در دستکاهها و احزاب

عین مذاکرات مشروح دوست و یازدهمین جلسه از دوره شانزدهم قانونگذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

دولتی را در فاجعه کتمان کند .  
دکتر مصدق قتل عام بیست و سوم تیر را بکردن وزیر کشور و رئیس شهر بانی وقت انداخت و گفت سر لشکر بقائی را شاه منصوب کرده و توطئه بوسیلهٔ شهربانی تنظیم شده و خود از جریان فاجعه بی اطلاع بوده است . بعد از چندی وزیر کشور یعنی سر لشکر زاهدی را بجرم شرکت در توطئه بیست و سوم تیر از کار برکنار نمود و دستور محاکمه سر لشکر بقائی را داد هنوز غش ماه از فاجعه و قتل هفتصد نفر مردم بیگناه طهران را که پلیس و سرباز و چاقو کشهای دولتی کشته نمی گذرد که روز چهاردهم آذر جنایت دیگری بوقوع پیوست که اقتضای آن سراسر عالم را فرا گرفت (صحیح است) .

این بار دیگر آقای دکتر مصدق نمی توانند بگویند از اجرا بی خبر بوده اند . روزنامه نیمه رسمی کیهان در شب فاجعه اطلاع داده که مصمم تیر اندازی با حضور نخست وزیر گرفته شده است . ما تصور می کردیم تحریکات همدی شهربانی در سراسر شهر و مصممانی کردن جوانها و ریختن چاقو کشها بدبیرستانهای دختران و پسران و هجوم اوپاش هر روز بجوانهای بیگناه مردم تهران براتر سیاست جنایت آلود سر لشکر مزینی است ولی معلوم شد که سیاست تحریک مردم و هجوم اجامر و اوپاش، تجهیز چاقو کش و غارت منازل و متاعه های کسبه و پیشه واران بیگناه و مصدوم کردن مخالفین دولت ریشه هبیب تری دارد و مربوط بریات شهربانی نیست نقشه ترویر کردن ، خفه کردن ، ترساندن و تهمت زدن و قتل دادن بنام توده و نفی هر کس که مخالف دولت است و بطور کلی نابود کردن هر کس که نفس بکشد در واقع شعار این حکومت است (صحیح است) .

جلو گیری از میتینگ و تظاهرات مسالمت آمیز مردم از ابتکارات دولت آقای دکتر مصدق است ( دکتر طباطبائی - از دور و بریهای دولت است ) ( آزاد - خود دولت کرده است آقای دکتر این حرفها چیست می زنید ) ( دکتر طباطبائی - من تصدیق میکنم که دورو برش را باید تصفیه کند ) ( آزاد - خودش است دور برش چیست ) عرض کنم که شاه سابق وقتی که بالقب سردار سیاهی بریاست و وزراء و حکومت رسید می خواستند بادت او در مملکت جمهوری بسازند و روز دوم فروردین مردم شهر تهران آن میتینگ عظیم و فراموش نشدنی را بر ضد جمهوری و رئیس دولت در میدان بهارستان و داخل محوطه مجلس تشکیل دادند و در آنروز خودم یاد دارم وقتی سردار سپه وارد مجلس شد که در نتیجه تلفن های اکثریت بود که از هجوم مردم می ترسیدند مخالف بودند و وقتی وارد مجلس

شد دو آنروز مردم رئیس دولت را بقتله مورد حمله قرار ندادند و تا بسروخانه اش سنک و آجر پرتاب نکردند و شخصاً مضروب نشد فرمان حمله بیک فوج نظامی که همراه خود آورده بود نداد اشخاصی که بودند شاهنده این آقا سپه کمال شاهد است این باهی شاهد است این پیشه خدمت باهی همه شاهدند اشخاصی هم که آنروز بودند آقای قائم مقام ( فرامرزی - من هم بودم ) یک شخصی که میلتاریسم بود و تربیتش در ارتش و نظام بود در صورتی که با موقعیت و عادت نظامی که همه در او سراغ داشتند انتظار بیش از آنچه که شد میرفت و در آخر فاجعه با حساب دقیق بیش از ده نفر مجروح و یک نفر کشته شد .

حالا بفرمائید که چطور شده حکومت سردار سپه آنروز را دوره دیگناتوری می نامید و انتظار دارید که حکومت شاربا با این قتل عامهای بی دری و ایجاد رژیم پلیس و ترور و ارباب دوره مشتمل آزادی و رفاه و آسایش بنامم نو کربنده را گرفته بود چیز بهره زدن سرو کله اش را خرد کرده اند ( صفائی - جرمش این بود که نو کرشا است ) ( جمال امامی - اشتباه کرده ) مگر آقای دکتر مصدق حکومت های مساعد صدر الاشراف و رژیم آرا را برای جزئی ترین عملی بیاد حمله و انتقاد نمی گرفتید ؟

تغنی دادم بفرمائید در کدام يك از این ادوار مردم طهران چنین روز های خون آلودی را دیدند ؟ آقای دکتر مصدق تعجب ندارد مخالفین حرف بزنند ، چیز بنویسند ، میتینگ بدهند ، تظاهر کنند !! اگر شما معتقدید که مردم پشتیبان شما هستند پس چرا از میتینگ مخالفین جلو گیری می کنید ؟ چرا چاقو کش تجهیز می کنید ؟ چرا آدم می کنید ؟ چرا در کمال ناجوانمردی کامیونهای پلیس را بر روی انبوه مردم از زن و مرد و بچه حتی در پیاده روها میرانید .

طلبی دستشان بود و پشت سر آنها سه کامیون پلیس و نظامی مقابل دوب و روزنامه طلوع که رسیدند با آن زدند چوبه بادوب را شکستند و بزور وارد شدند ( نامیاندگان - آقای ارباب صحیح است ؟ ) ( مهدی ارباب - صحیح است درست می گویند ) ( صفائی - ولی آقا اینها يك زننده باد هائی هم می گفتند ) ( زنك رئیس ) و در میان صفوف دانشجویان میریختند و چون باز چاقو کشها جرأت حمله نداشتند با سیانها و سربازها به کمک آنها با قنداق تفنگ و سر نیزه سرودست مردم را می شکستند تا چاقو کشها بتوانند مردم را بزنند - مسخره تراز تمام این قتل و غارتها از يك طرف اظهار تشکر شهربانی از چاقو کشها بعنوان مردم شرافتمندیای تحت است و از طرف دیگر اقرار آقای نخست وزیر بشارت شدن روزنامه ها و روزنامه ها و خانه ها و تهدید به پرداخت غرامت آنها است .

این شهربانی که هنرش کشتن مدرس فرخی و ارانی است - این شهربانی که کارش حبس و تبعید خود دکتر مصدق جاری زاده و ملک الشراء بهار است این شهربانی که کارش آمیول هوا زدن پیرم و تربیت یزشک احمدی است و علناً هم بمهرک ضرب و قتل و تجاوز مردم بدست چاقو کشها است بچه کار مملکت میخورد ( صفائی - همین کاری که کردند ) شما میگویند ما میخواستیم با حزب توده مبارزه کنیم خاک بر سر آن تشکیلاتی که برای مبارزه با يك جمعیت در پناه رجاله و حاف کش قرار گیرد ( صحیح است ) چشم آن مسئولین امنیت عمومی روشن که برای حفظ انتظامات چاقو و چاقی بدست حسن سه کله وقتی بی غم و مبدل خمر می دهند ( خنده نامیاندگان ) ( فرامرزی - شعبان بی مخ را نکشید ) و آنها را بجان پسران و دختران مردمی بگناه شهر می اندازند

شما می گویند می خواستیم با حزب توده مبارزه کنیم اسم حزب توده و مارک کیهانی نفت خود بکنوع و کان سیاسی شده است ( صحیح است ) هر کس که مخالف دولت بود يك مهر توده و بافتی باومی زنید و چاقو کش پسر او می فرستید تا زنده گی او را بهم بریزند مگر ممکن است که در شهری که دولت خودش ترور می کند زندگی کرده هیچکس دیگر در طهران تأمین ندارد هر جوانی که کتاب زیر بغلش باشد با سم توده او را می زنند هر متنفسی که برضد سالوسی های دولت حرف بزند بعنوان نفی لجن مالش میکنند رئیس - آقای آشتیانی زاده وقت شما تمام شد .

رئیس - آقایانی که موافقت بکریع ساعت ایشان صحبت کنند قیام کنند ( اکثر برخاستند ) تصویب شد .

آشتیانی زاده - عرض کنم که گلوب آقای ملک مدنی راهم غارت کردند حزب و ستاخیزوار .

جمال امامی - آقا مال خودمان بود حق داشتند .

آشتیانی زاده - نباید اجازه داد که با این مقدمات حکومت رجاله و اجامر و اوپاش را در این مملکت بر قرار کنید ( صحیح است ) حق ندارید که بفشار موفقیت نامزدهای دولتی در انتخابات مردم بیگناه را ب خاک و خون بکشید ( صحیح است ) پیش از هزار عکس از مناظر دلغراش فاجعه روز پنجشنبه برداشته اند و این عکس ها خود استاد غیر قابل انکاری بر محکومیت دستگاه نظامی پلیس و دولت در ایجاد فاجعه چهاردهم آذر است - در این عکس ها آن مردم شرافتمندی که شهربانی از آنها سلب امنیت کند عا بر بدبختی که بی خیال

به خانه اش میرود از کجا پیش بینی کند که ناجوانمردانه کامیون را در پیاده رو خواهند انداخت که صدام مردم را زیر گرفته بکشند این چه تنگ ورسوائی است این چه بازی است که در آورده اند ؟ کی دکان نفت را تخته خواهد کرد که مردم آسوده شوند کی تریه شیر و فوسفه نفت تمام می شود ؟ گفتید می خواهم عوائد نفت را بکسر مردم بیگناه و وابریانان را بشکنم که بکشد ( صحیح است )

این شهربانی که هنرش کشتن مدرس فرخی و ارانی است - این شهربانی که کارش حبس و تبعید خود دکتر مصدق جاری زاده و ملک الشراء بهار است این شهربانی که کارش آمیول هوا زدن پیرم و تربیت یزشک احمدی است و علناً هم بمهرک ضرب و قتل و تجاوز مردم بدست چاقو کشها است بچه کار مملکت میخورد ( صفائی - همین کاری که کردند ) شما میگویند ما میخواستیم با حزب توده مبارزه کنیم خاک بر سر آن تشکیلاتی که برای مبارزه با يك جمعیت در پناه رجاله و حاف کش قرار گیرد ( صحیح است ) چشم آن مسئولین امنیت عمومی روشن که برای حفظ انتظامات چاقو و چاقی بدست حسن سه کله وقتی بی غم و مبدل خمر می دهند ( خنده نامیاندگان ) ( فرامرزی - شعبان بی مخ را نکشید ) و آنها را بجان پسران و دختران مردمی بگناه شهر می اندازند

شما می گویند می خواستیم با حزب توده مبارزه کنیم اسم حزب توده و مارک کیهانی نفت خود بکنوع و کان سیاسی شده است ( صحیح است ) هر کس که مخالف دولت بود يك مهر توده و بافتی باومی زنید و چاقو کش پسر او می فرستید تا زنده گی او را بهم بریزند مگر ممکن است که در شهری که دولت خودش ترور می کند زندگی کرده هیچکس دیگر در طهران تأمین ندارد هر جوانی که کتاب زیر بغلش باشد با سم توده او را می زنند هر متنفسی که برضد سالوسی های دولت حرف بزند بعنوان نفی لجن مالش میکنند رئیس - آقای آشتیانی زاده وقت شما تمام شد .

رئیس - آقایانی که موافقت بکریع ساعت ایشان صحبت کنند قیام کنند ( اکثر برخاستند ) تصویب شد .

آشتیانی زاده - عرض کنم که گلوب آقای ملک مدنی راهم غارت کردند حزب و ستاخیزوار .

جمال امامی - آقا مال خودمان بود حق داشتند .

آشتیانی زاده - نباید اجازه داد که با این مقدمات حکومت رجاله و اجامر و اوپاش را در این مملکت بر قرار کنید ( صحیح است ) حق ندارید که بفشار موفقیت نامزدهای دولتی در انتخابات مردم بیگناه را ب خاک و خون بکشید ( صحیح است ) پیش از هزار عکس از مناظر دلغراش فاجعه روز پنجشنبه برداشته اند و این عکس ها خود استاد غیر قابل انکاری بر محکومیت دستگاه نظامی پلیس و دولت در ایجاد فاجعه چهاردهم آذر است - در این عکس ها آن مردم شرافتمندی که شهربانی از آنها سلب امنیت کند عا بر بدبختی که بی خیال

کدر این جامع من هستند همانطور که مرض کردم اگر حقیقه موضوع تأثر و نمایش مذموم است و دولت صلاح نمی داند که در این مملکت تأثر باشد همه را ببندد اگر اینطور نیست اینها را روانه کنند برونه دنبال کارشان و کارشان را بکنند چون بشهادت تمام معطوفات این مملکت اینها از نظر هنر پیشگی خیلی مردان قابل تقدیری هستند بهترین آرتیستهای این مملکت هستند و در همه جای دنیا رسم است که صرف نظر از مذهب و مسلک هنر های زیبا را تشویق می کنند و لانه آنها را مورد حمله و ضرب و شتم قرار نمی دهند استعدا دارم آقایان در این باره لطف بفرمائید و باین بیچاره ها کمک بفرمائید که برونه کارشان را بکنند و بقیه وقت خود را با آقای فرهودی می دم

رئیس - اجازه بفرمائید آقای فرهودی مجلس بکریع بایشان وقت داد که صحبت بکنند یعنی خودشان صحبت بکنند آیا این حق برای ایشان است که به دیگری بدهند یا نه از نظر سابقه باید معلوم شود

فرامرزی - این حق هست مجلس بکریع بایشان وقت داد که صحبت بکنند یعنی خودشان صحبت بکنند آیا این حق برای ایشان است که به دیگری بدهند یا نه از نظر سابقه باید معلوم شود

فرامرزی - این حق هست مجلس بکریع بایشان وقت داد که صحبت بکنند یعنی خودشان صحبت بکنند آیا این حق برای ایشان است که به دیگری بدهند یا نه از نظر سابقه باید معلوم شود

فرامرزی - این حق هست مجلس بکریع بایشان وقت داد که صحبت بکنند یعنی خودشان صحبت بکنند آیا این حق برای ایشان است که به دیگری بدهند یا نه از نظر سابقه باید معلوم شود

فرامرزی - این حق هست مجلس بکریع بایشان وقت داد که صحبت بکنند یعنی خودشان صحبت بکنند آیا این حق برای ایشان است که به دیگری بدهند یا نه از نظر سابقه باید معلوم شود

فرامرزی - این حق هست مجلس بکریع بایشان وقت داد که صحبت بکنند یعنی خودشان صحبت بکنند آیا این حق برای ایشان است که به دیگری بدهند یا نه از نظر سابقه باید معلوم شود

فرامرزی - این حق هست مجلس بکریع بایشان وقت داد که صحبت بکنند یعنی خودشان صحبت بکنند آیا این حق برای ایشان است که به دیگری بدهند یا نه از نظر سابقه باید معلوم شود

فرامرزی - این حق هست مجلس بکریع بایشان وقت داد که صحبت بکنند یعنی خودشان صحبت بکنند آیا این حق برای ایشان است که به دیگری بدهند یا نه از نظر سابقه باید معلوم شود

فرامرزی - این حق هست مجلس بکریع بایشان وقت داد که صحبت بکنند یعنی خودشان صحبت بکنند آیا این حق برای ایشان است که به دیگری بدهند یا نه از نظر سابقه باید معلوم شود

فرامرزی - این حق هست مجلس بکریع بایشان وقت داد که صحبت بکنند یعنی خودشان صحبت بکنند آیا این حق برای ایشان است که به دیگری بدهند یا نه از نظر سابقه باید معلوم شود

فرامرزی - این حق هست مجلس بکریع بایشان وقت داد که صحبت بکنند یعنی خودشان صحبت بکنند آیا این حق برای ایشان است که به دیگری بدهند یا نه از نظر سابقه باید معلوم شود

فرامرزی - این حق هست مجلس بکریع بایشان وقت داد که صحبت بکنند یعنی خودشان صحبت بکنند آیا این حق برای ایشان است که به دیگری بدهند یا نه از نظر سابقه باید معلوم شود

فرامرزی - این حق هست مجلس بکریع بایشان وقت داد که صحبت بکنند یعنی خودشان صحبت بکنند آیا این حق برای ایشان است که به دیگری بدهند یا نه از نظر سابقه باید معلوم شود

فرامرزی - این حق هست مجلس بکریع بایشان وقت داد که صحبت بکنند یعنی خودشان صحبت بکنند آیا این حق برای ایشان است که به دیگری بدهند یا نه از نظر سابقه باید معلوم شود

فرامرزی - این حق هست مجلس بکریع بایشان وقت داد که صحبت بکنند یعنی خودشان صحبت بکنند آیا این حق برای ایشان است که به دیگری بدهند یا نه از نظر سابقه باید معلوم شود

فرامرزی - این حق هست مجلس بکریع بایشان وقت داد که صحبت بکنند یعنی خودشان صحبت بکنند آیا این حق برای ایشان است که به دیگری بدهند یا نه از نظر سابقه باید معلوم شود

فرامرزی - این حق هست مجلس بکریع بایشان وقت داد که صحبت بکنند یعنی خودشان صحبت بکنند آیا این حق برای ایشان است که به دیگری بدهند یا نه از نظر سابقه باید معلوم شود

فرامرزی - این حق هست مجلس بکریع بایشان وقت داد که صحبت بکنند یعنی خودشان صحبت بکنند آیا این حق برای ایشان است که به دیگری بدهند یا نه از نظر سابقه باید معلوم شود

فرامرزی - این حق هست مجلس بکریع بایشان وقت داد که صحبت بکنند یعنی خودشان صحبت بکنند آیا این حق برای ایشان است که به دیگری بدهند یا نه از نظر سابقه باید معلوم شود

فرامرزی - این حق هست مجلس بکریع بایشان وقت داد که صحبت بکنند یعنی خودشان صحبت بکنند آیا این حق برای ایشان است که به دیگری بدهند یا نه از نظر سابقه باید معلوم شود

فرامرزی - این حق هست مجلس بکریع بایشان وقت داد که صحبت بکنند یعنی خودشان صحبت بکنند آیا این حق برای ایشان است که به دیگری بدهند یا نه از نظر سابقه باید معلوم شود

فرامرزی - این حق هست مجلس بکریع بایشان وقت داد که صحبت بکنند یعنی خودشان صحبت بکنند آیا این حق برای ایشان است که به دیگری بدهند یا نه از نظر سابقه باید معلوم شود

فرامرزی - این حق هست مجلس بکریع بایشان وقت داد که صحبت بکنند یعنی خودشان صحبت بکنند آیا این حق برای ایشان است که به دیگری بدهند یا نه از نظر سابقه باید معلوم شود

کم و بیش با حزب توده همکاری میکردند این آقایان روزنامه نویس ها که اسم برده با حزب توده مبارزه میکردند (صحب است) (صفائی - انتقام همان روزها را می خواهند بکشند) (زنک رئیس) شما با حزب توده مبارزه می کنید بعد میروید جراید ضد توده ای را غارت می کنید پس بگوئید هر کس با دولت ما مخالف است با موافق نیست یا تقییم بکنند با او مبارزه میکنیم و او را غارت میکنیم همین حرف را توده ای ها هم می زنند منتهی آنها صفائی هستند و یک قسمت از حقوق مردم را سلب میکنند ولی دیگر دولتش اجازه نمی دهد مردم را غارت نکنند این دولت بایش را بالا تر گذاشته کجای دینا دولت کمونیسم نازیسیم، سوسیالیسم دمکراسی هیچ جای دنیا دیده غارت می کنند این دولت باند پتیسیم است و غارت می کنند بلند گوهی های هیربانی داد میزد که هتک حمله نت فرماده می نیمار شبان بی مخ بفلان جا حمله کردند (خنده نمایندگان) (یک نفر از نمایندگان - خنده ندارد واقعا گریه دارد) بجان شما آقایان تاجر آور است یعنی از تاجر و آذربایجان خجالت آور است (صحیح است) من صدبار این جا گفتم حالا می خواهید زور بگوئید می خواهید بر من بزنید آخر دولت احتیاج شبان بی مخ ندارد شبان بی مخ شما قوای تابیه و نظامی شماست شما یاسان و بیس دارید پول دارید بودجه دارید آخر شما چه احتیاجی بجان و کش دارید بکروزی آقای دکتر باقی تشریف آوردن جا در زمان رزم آرا گفت که چاقو کش فرستادند در مطبعه ما حالا غارت نسکرده بودند مقدمه بوده است بعد من بزم آرا که خدا از گناهانش بگذرد من از خدا برای اورحمت می طلبم گفتیم آخر تو دولت چرا چاقو کش می فرستی آنوقت آنها هم مجبورند معامله بمثل بکنند و این مملکت می شود هرج و مرج (قاسم فولادوند - می رسم بآنجا که سوار سبیل اخواری بیابوریم ناچاریم) اما شما خیال می کنید این جماعتی که اینجا نشسته اند نمی توانند نفر بیست نفر چاقو کش تهیه کنند بفرستند چاقو خانه و کتابخانه شما را غارت کنند اگر چنین فرضی بکنید اشتباه است منتهی شریتر از شما هستند و اینکار را نمی کنند بنده صدوفه اینجا عرض کردم که توده ایها را قانون شما قدغن کرده است مانع شده چه این مسلک و چه این حزب و چه این دسته را چرا جلوش را نمی گیرید؟ خانه صلح اگر مال توده است باید نمی گذاشتید افتتاح شود دولت چرا باید آن را آتش بزنند اگر این بد بود رئیس دولت شما پیشوای سیاسی

شما پیشوای روحانی شما روسای جبهه ملی که در آنجا عضو بودند این ها را هم پس آتش بزنید (خنده نمایندگان) یک روز قبل از این اوضاع قبل از آتش زدن این خانه دو نفر از اعضای جبهه ملی از آنجا استعفا دادند معلوم می شود اطلاع داشتند که آنجا را آتش می زنند آخر خانه صلح را چرا می گذارید تشکیل شود اگر برخلاف قانون است چرا باید تشکیل شود و دولت بعد برود آنجا را آتش بزند؟ یک کس دیگری آن را اجازه کرده چهار دیواری تاجر سمنی را باید آتش زد اگر این توده ایست و برخلاف مقررات و مصلحت مملکت است مانش بشوید اینها را بگیرد و تارومارشان کند خانه را چرا آتش می زنید آنها خانه ای که خود شما هم حضور هستید آخرا این خیمه شب بازی را برای کی در می آورید اهالی مملکت مگر کورند مگر کردند مگر این ها را نمی دانند تمام دستگاه شما عضو جمعیت صلح طلبان است آنوقت تا وقتی که جمعیت صلح طلبان خیانت بکند و بکنند برای این آقایان اهمیت نداشت ولی از روزی که مخالف منافقان است اهمیت دارد هشت ماه است در حکومت دکتر مصدق داد می زنم که اینها همان مملکت هستند و رقیب این مملکت را خواهند کرد گوش نمی دهید ولی آن روزی که آن زمان مخالف مصالح شخصی خودشان تشبیه دادند آتش می زنند آنها دولت این که مسخره است آقا این را چه می گوئید این ملت چه می گوید ما چه می گوئیم لا اله الا الله معروف است که حاج میرزا آقاسی علاقه مفراطی با احداث قنات داشت یک روزی سرچاه یک قناتی ایستاده بود مقنی می کند بآب نمی رسید بالاخره او قناتش قطع شد و آن پایین قرقر می کرد و گفت آخر برید میرزا آقاسی لعنت این جا که آب پیدا نمی شود حاج میرزا آقاسی سرش را بردان تو و گفت مردم که آب اگر پیدا نمی شود برای توان که پیدا می شود حالا ما آمدیم نفت را ملی کردیم باین ملت هم گفتیم از این برای تو هایدی بیشتر خواهد بود نان تو مزوج بشیر خواهد شد منتهی بفرمادهای خود دید نه تنها بنیر باو ندادیم نانش را هم از او گرفتیم و برای ملت نه نان و نه آبی شد ولی برای یک دسته معین همه چیز شد بقول فرنگی لایتن و بن آن مازان شد

### L'appétit Vient en Mangeant

منتهی آن نشد این انتقادات را درست کردن این مملکت را بهم ریختند حالا فرض کنید اینهم یک جور، حل شود مگر این چنلو لك بازی تمام می شود يك چنلو لك بازی دیگری فراهم می کنند و ما وصل می کنند نفت می گویند که انگلیسها را بیرون کردیم آقا مگر همدان این بود که چهار نفر انگلیسی را

بیرون کنیم اگر منظور مان این بود که اشتباه می کنیم و برعکس قانون همدان اجازه را بشما نداده است منظور مان بود که از نفتان هایدی بشیر بریم برعکس قانون بشما این اجازه داده. برای حالا دیگر صحبت نفت را نمی کنم هر کس صحبت بکند که تنها منبع هایدات این مملکت را چرا خوابانید و چرا این نفت را زیر زمین گذارید باید می گویند این آقا نوکر استعمار و نوکر هرزهرمار است حالا این آقایان پروژه دارند که خوزستان را آباد کنند بزرگ نمیر بهار میاد و برای ملت نان می شود اینها می خواهند خوزستان را آباد کنند ناجای هواید نفت را بگیرد مسلمان خدا یکی را توی دره دره نمیدانند خانه کدخدا و سراغ می گرفت يك مهندس است بنام مهندس بازرگان این آدم شریفی است پدرش هم آدم مسلمان و شریفی است این بیچاره را مثل غالب ماها احساساتی کرده اند که آقا ما می خواهیم انگلیسها را بیرون کنیم نفت را بگیریم رفت خوزستان حالا آمده است يك مقاله نوشته است شما را بشما مقاله اورا بخواوند این يك آدم بی طرفی است حالا مگر اخیراً نوکر استعمار شده باشد نمی دانم از وقتی که این مقاله را نوشته نوکر استعمار شده نوکر شرکت نفت شده ولی هفت هشت روز قبل از این نوکر نبود مثل اینکه چند ماه پیش از این بنده هم نبود و حالا همدان او هم نبود حالا شده است ببینید چی نوشته است این رئیس هیئت مدیره شرکت نفت و آن یکی هم مهندس است هنوز هیچ چیزی نشده نفت ما خوابیده است اینها توی سر هم میزنند که تو مزخرف می گوئی او هم می گوید که تو مزخرف می گوئی آخر برای چه؟ موضوعش که از این رفت است ولی این بیچاره تا آمده يك حرف حق بزند چون مانع دکانداری است با و حمله کردند و قیام کردند و گفتند که تو مزخرف میگوئی نتیجه اش اینست آقا این خلاصه طایفه انتقادات آزاد است که می بیند فعلا افراد اقلیت مجلس شورای ملی از دیشب آمده ایم در مجلس تعین اختیار کنیم برای اینکه بدینا اعلام کنیم ما نه تنها آزادی نداریم بلکه نامین جانی هم نداریم (شوخی) صحیح است) من چه بگویم آقایان که شما ها ندانید خاطرات می آید روزیکه مصدق السلطنه آمد اینجا همین ده پانزده روز پیش بعد از حمله سراسرائی بشما گفت غلط کردید قانون گذارندید من از فردا انتقادات را اجر می کنم

### رئیس - آقای جمال امامی وقت آقا جمال امامی - بنده نیم ساعت يك ربع عرض دارم اگر آقایان اجازه بدهید يك

ربع ۲۰ دقیقه دیگر صحبت کنم رئیس - آقایانی که موافقت نیست دقیقه دیگر آقای جمال امامی مطالبشان را ادامه بدهند قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد بر مابعد

**جمال امامی -** آمدند اینجا گفتند که شماها بیغور کردید غلط کردید حالا بنده جسارت نمی کنم ایشان جسورند من جسارت نمی کنم - آقایان تصدیق میفرمائید که پروژه تاخیر انتقادات را اقلیت نهاد (صحیح است) تمام آقایان شامند وقتی بنده را دعوت فرمودند در آن کمیسیون مخالفت کردم و مخصوصاً کمیسیون راترک گفتم و اینجا می خواستم مخالفت کنم جناب آقای امیر نصرت اسکندری از من خواست کردند که این کار را نکنم (اسکندری - صحیح است) پروژه و رای تاخیر انتقادات را اکثریت داد اکثریت یعنی طرفدار دولت (دکتر طباطبائی از اکثریت) اکثریت رای داد (مصدق از اکثریت) حالا ممکن است شما نبودید حالا دوفتر ممکن است مثل شما رای نداده باشند آمد با اکثریت یعنی بشما گفت که غلط کردید این کار را کردید باید گفتید که چشم ما مطیعیم از مذهب الهی الله را می بینیم چرا بکنید آقا؟ شما باشید نمی کنید یا يك همچو مجلس؟ آقا اگر امام جعفر صادق يك همچو چیزی را بمجلس بگویند رای نمیده چه رسد ۰۰۰ (حاج آقا رضا رفیع - امام جعفر صادق رای نمی خواهد) آقا را عرض نکردم آقا بهمه رای می دهید (ملک مدنی - آقای جمال امامی شاعادت دارید که بای تر اکتی حرف بزنید شما حق ندارید بگوئید که غلط کردید شما حرف را بای تر اکتی ادا می کنید حق ندارید اینجور حرف بزنید وعادت کرده اید باین جور حرف زدن و آقای رئیس باید جلو گیری کنید از این حرفها و الا ما هم جواب می دهیم) (زنک رئیس) من گفتم که ایشان می گویند کی مانع است که شما جواب بدهید؟ بشما که چیزی عرض نکردم

**رئیس -** آقای ملک مدنی بفرمائید من گفتم که متوجه بیانات خودشان باشند

**جمال امامی -** مگر شما از این حرفها بدتان می آید؟

**ملک مدنی -** البته بدمان می آید

**جمال امامی -** باور مکن (زنک مدتی رئیس)

**رئیس -** بین الان و این صحبت نکنید

**جمال امامی -** آمد گفت که شما البته مفهومش این بود از اینهم بدتر بود اگر می خواهید تفریح کنم اگر شما تفهیمید من تفهیم (ملک مدنی - شما فتهان معلوم است) (نورالدین امامی - آقای ملک یکجور سکت باش) آقا حالا این کار را نکرد انتقادات را شروع نکرد از این کار

او تنها منظورش تف بصورت ما انداختن بود آخر مسلمان خدا معنی این چه بود ایشان که آمده است قانون را زیر پا گذاشته یعنی اراده شاهارا و بنده هم عمل نکردم از قانون هم تغافل کرده این جرم هست یا نیست روشن کنید مرا جرم هست یا نیست هنوز مقامات انتهاباشان تهیه نشده نمی دانم فرقه می گشتند استناد فرمانداران اوضاع می کنند اینها باید جابجا بشوند يك ظرفی پرریز و بن يك حرف قشنگی گفت می گفت حالا گماستند از این فرمانداران را برای انتقادات بطور فرقه معین می کنند خوبست نخست وزیر انتخابی را هم بفرقه انتخاب کنند ظن قوی اینست که از این بدتر نخواهد شد این پیشنهاد خوبی بود و این پیشنهاد را بکنید يك کاکا سیاهی بچای توی بلبش بود بچه گریه می کرد گفت ترس بچه گفت از تو می ترسم حیف حیف (خطاب بآقای امیر تیمور وزیر کشور) سابقه ارادت من طوری است که من شرم دارم نمی توانم بکسی که ارادت دارم حرفی بزنم (صفائی - امیدوارم سوابق آزادی خودشان را خراب نکنند) ملاحظه بفرمائید (اشاره به روزنامه) این يك جوانی است کسی و شش دفته زدوی کرده از خانه هشت دفته هم اتومبیل دزدیده یکسال و نیم هم در بند هراس بوده ببخشید آقایان مدیران جراید آقای فرامرز ارجانبالی هنرمند می خواهم اخیراً شهربانی وادار کرده است که روزها مود آورده (آزاد - شیره کش خانه هم دارد) (فرامرز - خویش و قوم من که نیست چرا از من هنرمند می خواهید) و شهربانی با حقوق می دهد برای اینکه بن فتنش بدهد (پیراسته - اسمش چیست) (یک نفر از نمایندگان - مدیر روزنامه جان - سپاران است) جاسپاران اشخاص شریفی هستند گوش کنید این یکی از روزنامه هائی است که با آقایان کمک می کند گوش بدهید من يك حکمی را می خوانم (اداره دایره شمع رو نوشت گزارش مورخ ۲۰ ۸ ۴۰ وزارت کشور - شهربانی کل کشور معترفاً بر وضعی می رسد تیسار سر تیب نفی ریاست اداره انتظامی و سر کلا تری اظهار می نماید که تیسار معظم ریاست شهربانی کل کشور مقرر فرمودند از ۱۵ آبان ۱۳۳۰ شبان جمعی! ماهی ۳۰۰۰ ریال حقوق از اعتبار معمرانه استخدام کرد برای استحضار خاطر مبارک گزارش عرض تا هر نوع امر مقرر فرمائید اطاعت کرد رئیس اداره حسابداری معمرانه خدائی) (یک نفر از نمایندگان - هیچ معمرانه بود) این تیسار سر تیب شعبان بی مخ است که خانه مردم را غارت می کرده است و در مقابل این خدمات با ما می ۳۰۰۰ ریال در شهر بانی استخدام شده است من نمی دانم ما اینجا نشسته ایم بیکار کنیم نشسته ایم که خودمان را گول بزنیم آخر مرده شور ببرد این انتقادات را که همان

دلان برای آن لك زده است آخر می خواهد چه بکنند این چه و کالتی است باینکه بیایید بنشینید اینجا انتقاری کنید خانه از پای بست ویران است خواجه دربند نقش ایوان است يك وزیر دولت شیخی که می خواهد استعفا بدهد با بعد از استعفا رفت تمام ادارات مالی را بهم ریخته آخر این را يك خورده مطالعه بفرمائید اگر این رؤسا بد بودند آقای شوشتری ملاحظه بفرمائید چرا در زمان تصدی ایشان خوب بودند و وقتی میروید برای خلف خود شش دیگری را می گذارد آخر این مفهوم دارد اگر بد بودند باید در زمان تصدی خود شش آنها را تغییر می داد چرا آنها را چرا انتقادات می کند این تغییرات این آقای وزیر مفهوم دیگری دارد اگر ندارد شما بفرمائید منکه نمی فهمم (صفائی - خودش انکار ندارد) خلاصه در زمان یکی دو تا نیست هر جا برسم همین آقایان طرفداران دولت هم بیرون فرو قری می کنند زیر گوش من و شما حالا منافع اجتماعشان اینجا می کند که اینجا جور دیگر بگویند این عاقبت ندارد هم بنده میروم هم شما میروید هم مصدق و هم آقای امیر تیمور و خوشک با هم می سوزد و آقایان این طریقه اداره حکومت در يك کشوری نیست يك تئوری بکنید تا که دست میرسد کاری بکنن

**پیش از آن کردست ناید هیچ کار خلاصه اگر بکنم از طرفداران جدی دولت حتی جناب آقای ملک مدنی پشت این تریبون آمد و گفت با اینکه مملکت خراب شده است همه چیز شده است کمونیست شده است این کار خوب را دولت در این هتاه کرد اگر کسی آمد بنده همچو چیزی گفت بنده تسلیم ایشان می شوم آقایان شما ها بهر ترتیبی که آمده اید اینجا نشسته اید عجلتاً نامتان نماینده ملت است (صحیح است) باید بفرماید حفظ مملکت و ملت باشید اگر ملت نفهمد شما باید بفهمید آن بیچاره ها بشما نگاه می کنند شما زعمای قوم هستید تکلیف بکردن شما است بکردن مردم که نیست چرا دولت را سیرده اید بدست اشخاصی که از قدرت دولت بر علیه مملکت و مجلس و ملت سوء استفاده می کنند؟ حالا اگر این هرايش بنده با منافع بعضی ها اصطکاک دارد و بزم آنها خوب نیست ولی والله باشه بعد این منافع پایان ندارد نتیجه ندارد وقتی که مملکت شما باین روز افتاد شما و کالت داشته باشید ندانسته باشید از ششبان بی مخ است که خانه مردم را غارت می کرده است و در مقابل این خدمات با ما می ۳۰۰۰ ریال در شهر بانی استخدام شده است من نمی دانم ما اینجا نشسته ایم بیکار کنیم نشسته ایم که خودمان را گول بزنیم آخر مرده شور ببرد این انتقادات را که همان**

### پیراسته - بنده وقت خود را بجناب آقای آزاد تقدیم کردم و آمدم اینجا بر مرض مقام ریاست برسانم که آقای آزاد بجای شده می آینه صحبت می کنند و من

صحیح نیست) اینجا يك چند نفری هستند که من شرم حضور دارم بویکل جسارت بکنم ولی يك دفعه دو دفعه ۵ دفعه آخر آدم مستأصل میشود اینجا سنی دارند که بین صحبت های من می قربزند نسبت به بعضی دلیل ندارد ولی نسبت به بعضی ها هم دلیل دارد چون من بهشان خوبی کرده ام نیکی کردم در عوض دشمنی می کنند بعضی شان دلیل ندارد و در عمر خود هم با آنها مواجه نشدم و سلام و علیک کثیر داریم من فکر کردم دیدم وقتی که يك کسی يك روز عضو حزب توده بوده يكروز آمده وارد اراده ملی شده يكروز رفته عامیون شده يكروز جبهه ملی شده این از جمال امامی سرشتا بدش می آید که این آدم همیشه يكجور حرف میزند این سرشتا بدش می آید جز این دلیلی ندارد چرا برای اینکه یاد آدم باید خوبی کرده باشد یا بدی کرده باشد دشمن تراشی کرده باشد هیچکام را نکرده دشمنی نیست دیدم دلیل بعضی از این آقایان اینست که این آدم چرا همیشه يكجور حرف میزند خوب باید بدشان بیاید این تلگراف را که آقای فرمودی فرمودند از دزفول رسیده است رو نوشتش بن هم رسیده ولی بنده از این تلگرافها که می آید نمی آیم در مجلس بخوانم چرا؟ از اینجهت است چون من میدانم که دولت اعتنا نمی کند ولی چون عدای رافرستاند از دزفول منم بهشان گفتم که بروند نزد وکیل دزفول می گویند که حزب زحمتکشان ریخته اند همان روزی که اینجا را غارت کرده اند آنجا را هم غارت کرده اند و یک نفر را کشته اند از جناب آقای دکتر باقی استعفا می کنم که تحقیق بفرمائید اگر اینکار بنام حزب زحمتکشان شده است تنبیه بفرمائید آنها را چون شایسته نیست که بنام حزب يك افرادی کار خلاف قانون بکنند (دکتر باقی - صحیح است) این شایسته نیست چون بیروز هم بنام حزب زحمتکشان اینکار هارا کردند حزب احتیاجی باینکارها ندارد حزب يك ترتیب خاصی دارد که اگر از آن روال منطقی و روش منطقی خارج بشود حتماً حزب نمی شود و یقیناً جناب آقای دکتر باقی بهتر از بنده متوجه هستند و بیروز حزبی آگاهند ایشان نباید اجازه بدهند که در يك حزبی اشخاصی بعنوان حزب با قدرت حزب از آن سوء استفاده بکنند و مردم را بکشند یا غارت بکنند نباید بکنند این عاقبت خوشی ندارد نه برای حزب و نه برای فرد بیش از این عرضی ندارم

**رئیس -** آقای پیراسته - بنده وقت خود را بجناب آقای آزاد تقدیم کردم و آمدم اینجا بر مرض مقام ریاست برسانم که آقای آزاد بجای شده می آینه صحبت می کنند و من

نامهای که يك روزنامه بنده نوشته بوسیله بنده تقدیم کرده است که به مقام ریاست بدهم این عکسها ضمیمه است و این عکسها میرساند که دسته ای ریخته اند و روزنامه را غارت کرده اند این روزنامه ر و روزنامه يك صنف جوان است بنام جمعیت جان سپاران بنده کار براه و روش آن ندارم (رئیس - هر چه صحبت کنید از وقت آقای آزاد می گیرید) بیکدست فتنش می دهند بیکدست دیگر هم انتقاد می کنند بانی کنند بین مربوط نیست بنده از اینها نمی گویم ولی بنده می گویم این آقای وزیر کشور (اشاره به آقای وزیر کشور) حضرتعالی دیدید که در دوره چهاردهم بشما در میدان بهارستان چهار کار کردند این صحیح نیست آقا اینکار نمی شود در مملکت و بارجاله بازی نمی شود حکومت سکرت حضرتعالی کسی هستید که آمید اینجا در دوره چهاردهم شکایت می کردید انتقاد می کردید از روش رجال بازی چرا جلوی اینها را نمی گیرید اگر فادرسیت بگیریید والا اگر آدم نتواند وظیفه اش را انجام بدهد وزارت قایمه ندارد شأنی ندارد (سمید مهدوی - اینها را که ایشان استخدام نکرده اند) اگر نمی توانید بروید کنار شکایتی که این روزنامه کرده با استشهاده محلی هم هست که با قوای دولتی آمده اند این روزنامه را غارت کرده اند و تقدیم مقام ریاست می کنم

**رئیس -** آقای آزاد بفرمائید

**آزاد -** من مدتی بود که در پشت تریبون مجلس راجع به آقای دکتر مصدق صحبتی نسکرده بودم علت سکوت من این بود که میل داشتم هیچگونه مزاحمتی به آقای دکتر نکنم مصدق بدم که بفرات خاطر مشغول کار رفت بشود ولی امروز سکوت خود را میشکستم زیرا از يكطرف می بینم از موضوع نفت علاوه بر اینکه چیزی هایدما نشد ماهی ۲۵ میلیون تومان هم خسارت می دهیم و اگر این جریان چند ماه دیگر طول بکشد اعلان ورشکستگی ما اعلام می شود از طرف دیگر مشاهده میکنم که دولت مسلط بر اوضاع نیست و آقای دکتر مصدق که دائماً روی تخت خواب خوابیده اند بکلی از جریان امور کشور بی اطلاع و همه روزها زده و خورد - اعتصاب هرج و مرج با منتهای شدت جریان دارد و روز پنجشنبه ۱۴ آذر هم بوجود آمده که منجر بقتل و غارت موسسات ملی و ادارات روزنامه و تجارت خانه ها گردید

از تیرماه تا بحال این دومین قتل و غارتی است که در پایتخت کشور بوجود پیوسته و مسپین آنها در کمال آزادی در خیابانها و پشت میزها مشغول کار می باشند در ۲۴ تیر ماه یعنی روزی که هادیین نماینده مخصوص رئیس جمهوری آمریکا

تهران وارد شد نمایش مصومی که مقدمات آن با نظر وزیر کشور تهیه دیده شده بود ظاهر گردید و سپس مردم بیچاره و بیسوار را به باد گلوله بسته صدمه مردمی که از شهرستانها با دانه پنجاه و شصت تومان به تهران آورده بودند مقتول و مجروح نمودند روز ۲۴ تیرماه یک روز بعد از حادثه خونین قتل امام ناصر الشریعه سبزواری به قم رفته بود در مراجعت می گفت در اتوبوس مادری نفر قتل بود که از تهران به قم می رفتند در بین راه می گفتند ما نفر بودیم که هر یک پنجاه تومان گرفته بودیم آمدیم به تهران شش نفر از ما کشته و مقتول شده و نفر زنده برمی گردیم بقم در آنروز یکمده مردم بیچاره گرسنه را از دهات به شهر آورده بهر یک پنجاه و شصت تومان داده بعد آنها را به باده مسل و تفنگ بسته بقتل رسانیدند و جنازه آنها را بقرین برده دفن نمودند وزن بچه آن بیچارگان هنوز خیال میکنند که شوهر و پدرشان در تهران زنده و مشغول کار است و حال آنکه دستهای غدار و بی رحم اعضای کابینه بکثره صدق آنها را با کمال ناجوانمردی در خون خود آغشته و تا ابدی پدر و شوهر نموده است

آزاد دکتر مصدق می خواست نشان بدهد که ایران در لبریر تگاه کمونیستی است و اگر آمریکا با این نقشه اموال وقت نکند ایران کمونیست میشود برای آنکه این دروغ را بعلق آمریکا فرو کند آن الم شنگه را راه انداخته سید نفر زن و مرد را در جلو مجلس در خون آغشته نمود و بدین بکنند را بجرم این که در این قضیه دخالت داشته توقیف نکرده به جنگال عدالت تسلیم ننمود و بدین بپوشی از مجلسین سنا و شورا تشبیل داد که باین جرم رسیدگی نماید آنها استنکاف نموده بعد آقای شهتانی را مامور رسیدگی کرد او گزارش داده قضیه مسکوت ماند و همین عدم تعقیب مجرمین بهترین دلیلی است که دولت مسبب اصلی آن حادثه بوده است

حادثه روز پنجشنبه ۱۴ آذرماه رقت آورتر از حادثه ۲۳ تیرماه است روز پنج شنبه چندین دختر و پسر و افسران شهر بانی مقتول و مجروح گردیده چندین تاجر تخانه و موسسه و ادارات روزنامه غارت یا آتش گرفته سوخت - تمام مردم این شهر شاهد و ناظر بودند که این قتل و غارت را دستگاه شهر بانی و چند نفر از اهل جبهه ملی و حزب زحمتکشان فرمان داده اداره می کردند - مکی با اتومبیل بچهارراه متجر النوله آمده به شعبان بی مع دستور میداد شعبان بی مع می گفت من مامور خانه صلح هستم و این طرف ناحیه ماموریت من نیست - کاظم زاده غرم آبادی که تازه از خرم آباد آمده و جانی را هم بلد نیست می گفت من در

گوشه میدان بهارستان ایستاده بودم دیدم از طرف کوچه وزارت فرهنگ جمعی با شمار حزب زحمتکشان بیرون آمده به پاسبانان سواره گفتند حمله کنید به طرف توده ها به بعضی آنکه این فرمان صادر شد پاسبانهای سوار با شمشیر حمله به جمعیت کردند هر کس جلوشان میرسد مجروح می کردند شمس قنات آبادی در جلو جمعیت افتاده با چوب و چاق بر دم حمله می کرد و ناظر قنات و آتش زدن موسسات بود و همینکه جمعی برای غارت یا آتش زدن موسسات یا اداره روزنامه ای وارد معلى می شدند پاسبانان خط زنجیر می بستند نمی گذاشتند کسی داخل آن محل بشود پس از آنکه موسسه یا اداره روزنامه آتش می گرفت با غارت می شد و آن اشخاص بیرون می آمدند خط زنجیر بیس از هم گسیخته میگردید در ۲۳ تیر ماه دولت می خواست بوسیله آن قتل عام به آمریکا بها بقبولاند که ایران در لب پرتگاه کمونیستی است در پنجشنبه ۱۴ آذر ماه دولت می خواست به آمریکایی ها نشان بدهد که چگونه با کمونیست مبارزه میکند ولی عوض مبارزه با کمونیست رفتند روزنامه های ضد کمونیستی را غارت و چپاول نمودند بهترین دلیلی که دولت و طرفداران آن و اعضای جبهه ملی از این توطئه اطلاع داشتند استعفا دادن دو نفر از اعضای جبهه ملی از عضویت خانه صلح بود که در روز قبل از حادثه در روزنامه ها انتشار یافت

آقای دکتر مصدق با باید بگویم من از این قضایای اطلاع باید بگویم با اطلاع من این حوادث خونین بظهور پیوسته است اگر ایشان می گویند من اطلاع ندارم چرا مسئولیت امنیت کشور را بعهده گرفته اند و استعفا نمی دهند - اگر می گویند من از این جریان اطلاع ندارم چرا نقشه آشوب آدم کشی و غارت اموال مردم را بکشید تعجب من در این است اگر آقای نخست وزیر با حزب توده مخالف است چرا آنها را دستگیر و تحت تعقیب قرار نموده قانون که با اجازه داده و مقرر وقت بخواند برای جلوگیری توده قانونی به مجلس بیاورد مجلس با ایشان رای می دهد در این صورت علت آنکه ایشان توده ای ها را آزاد گذاشته و هر روز یک الم شنگه راه انداخته پاسبانها را بجان مردم میاندازند برای چیست آقای دکتر مصدق که یکمده در اشراف و میلیونیست خیال می کند توده را باین کار ها از بین می برد و حال آنکه از بین بردن توده و جلوگیری از کمونیست کاروان تبه کردن برای مردم است از روزیکه آقای دکتر مصدق نخست وزیر شده کسب تجارت از بین رفته مردم بیکار و برای یک لقمه نان معطلند - کارگر و دهقانی که روزی یک وعده غذا گیرش نباید - لغت و عود پسر

می برد ایشان متوقع هستند که دست از شورش خود بردارند و مودبان از کرسنگی و سرما بپزند و ایشان میلیونها تروت و توری هم انباشته نمایند - آقای دکتر مصدق اگر شامی خواهید جلو کمونیست و آشوب گران را بگیرید باید سیاست اقتصادی و نقشه اصلاحات شما روشن باشند - برای مردم نان لباس - مسکن تهیه کنید نه آنکه بجای نان و لباس و مسکن هر روز خودتان آشوب بر پا کرده صدها نفر را مقتول و مجروح نمائید که باعث لعاجت و سرسختی آنها بشود - آقای دکتر مصدق از اول تا بحال آنچه گفته و ادعا داشته همه دروغ و هوام فریبی بوده است و ماه نخست وزیری ایشان ثابت کرده که ایشان معتقد به هیچ یک از اصول مقدسه آزادی و قانون اساسی نیست مرا بوقتی که ایشان گول زدن مردم است و بیک کاغذی هم یک تاجر تخانه ای که بیروز تجارت خانه را غارت کردند بنام مصطفی و زبیری نوشته است من که من این را هم تقدیم مقام ریاست میکنم و در خانه مرا بزم هم یک قضیه را بر سر آقایان میرسانم البته همه این آقایان این قضیه را شنیده اند که وقتی که ما میایم راجع به انحطاط اخلاقی صحبت میکنیم می گویند در دوره سلطنت حسین ده نفر دراز میکشیدند و یک افغانی می آمد سر آنها را میبرد الان بنده وضیعت مجلس شورای ملی را می بینم که همه آقایان قضایا را بچشم می بینند و استاده اند و صدایشان در نمی آید یقین دارم تاریخ هم یک روزی این حوادث را از شما یاد آوری میکند

(۳) - بیانات آقایان: فرامرزى  
دکتر بقائی، مکی و ملک  
مدنی طبق ماده ۴۰ آیین نامه  
رئیس - حالا وارد دستور می شویم  
۳ نفر از آقایان یک توضیحاتی بر طبق ماده ۹۰ اجازه خواسته اند صحبت کنند آقای فرامرزى به فرمائید

فرامرزى - آنچه مرا وادار کرد که اینجا بیام حرف بزنم فرمایش جناب آقای آشتیانی زاده بود و فرمودند روزنامه نیم رسمی کهان و دوسه مرتبه هم این مطلب را تکرار کردند

من تصور نمیکنم که خود ایشان این عقیده را داشته اند بلکه می خواستند مرا باین بهانه بکشانند این جا که حرف بزنم من این طور تصور میکنم (صفائی) - که حقایق را بگویند (والا) روزنامه کهان روزنامه ای نیست که آقایان متعلقش را ندانند همین شماره ای که ایشان بهی استدلال کردند و امش را روزنامه نیمه رسمی گنارده اند همان شماره تا دوازده قران توی این شهر فروش رفت و دست خفلی هم نرسیده یعنی ۶ برابر قیمت واقعی در هر یک اینهمه روزنامه هست ولی روزنامه کهان روزنامه هیچکس نیست (صعب) -

بزوال و تجزیه این مملکت آنوقت بسا گفتند که این مرتجع شده است در این دوره هم آقای آشتیانی زاده با میفرماید روزنامه نیم رسمی و خیال می کنند که ما هر چه بنویسیم دستور از دولت میگیریم در این دوره آقای دکتر مصدق آمدند نخست یک عواملی و موثراتی که بر آقایان مخفی نیست ایشان بایک دولت اجنبی که از زمان قدیم پنجه انداخته بود بگلولی تمام شرق مبارزه کردند ما معتقد بودیم که هیچ ایرانی بلکه هیچ شرقی در این مبارزه راه ندارد مگر اینکه پشت سر این مردی که قهرمان این مبارزه شده جمع بشود و او را نمایند بکنند و حتی می خواهم بگویم از آن زمانی که رفتی ما با می گفتند که شماها یا توده ای هستید یا هم مسلک توده ای هستید وقتی که کافکار از آمد اینجا و آقای ساعد مخالفت کرد با دادن نفق شمال ما هم همان موقع ساعد را تأیید کردیم گفتیم ایرانی وطن پرست است وقتی که دولتش بایک دولت اجنبی طرف شد نباید بیهانه های مختلف پای دولت را بگیرد و از عقب بکشد که دولتش را بریزند بزند برای اینکه دولت اجنبی غالب نشود این رویه ما بوده و آن اعتراضی که ایشان فرمودند که ما در روزنامه کردیم باین دلیل است نه آنچه که ایشان فرمودند که روزنامه کهان روزنامه نیم رسمی است صعب نیست روزنامه کهان خود آقایان میدانند که هنوز یکساعت از موقع انتشارش نگذشته دیگر دست کسی نمیرسد خود آقایان غالباً بمن گفته اند که ما چکنیم گهرمان بیاید و حتی امروز آقای دکتر طاهری این را میفرمودند ما خودمان دوتا ماشین داریم که از ماشین های قوی است برای چاپ و خارج از آن در مطبعه خارج هم چاپ میکنیم (رئیس) - تنی می کنم از موضوع خارج نشود این مطالب آقا مربوط بکار داخلی روزنامه است) راجع بکار داخلی ما حرف زدند (رئیس) - من بشما می گویم که از موضوع خارج نشوید (چشم اطاعت می کنم ولی قصد اینست که روزنامه نیم رسمی و دولتی نیست اگر باشد هیچ وقت ملت اینطور نمیخرد (صعب) است) من راجع بوفامه روز پنجشنبه مثل هر ایرانی بلکه مثل هر بشری که وجدانش هستم برای اینکه دودسته ایرانی ریختند سرهم و هم دیگر را خون مال کردند و اعدای کردند که خلاف مصالح مملکت بود عقیده هم دارم در شماره دیروز هم ما نوشتیم و گفته ایم ایرادی بسرباز و پاسبان بمکس آقای آشتیانی زاده من ندارم سرباز حافظ نظم و مجری مقررات است و همین طور شهر بانی وقتی که یک دستهای گفتند امروز اجتماع نکند با از این طرف نباید

آن دسته باید اطاعت بکنند و اگر نکردند جلوشان را باید گرفت و اگر دست بستگو چوب و حربه زدند دیگر وظیفه سرباز و پاسبان فرار نیست وظیفه شان جلو گیری است و آن حربه یا تفنگ که در موقع داده اند برای این نداده اند که در موقع لزوم استخاره بکنند یا نصیحت بکنند والا قرآن با گلستان سمدی دستش می دادند کوفتی آمدند برای آنها قرآن بخوانند آیات اخلاقی بخوانند داده اند دستش که اگر تجاوز کردند بزنند ایرادی که من دارم بشود آنها ای است که بر گذشته اند به پاسبان و سرباز زده اند نمی بایستی این کار را بکنند ایراد بیشتری که دارم باین دسته هائی است که از پشت سر سرباز آمده اند و در این شهر شلوغ و ناامنی راه انداخته اند اولاً خود توده ای و روزنامه های توده ای و مؤسسات توده ای اگر توده ای باشند اینها می گویند ما نیستیم و توده این را هم بشما بگویم قانون نگذشته برای ممنوع بودن توده قانون منع کرده است مسلک اشتراکی را اگر اینها اقرار کردند که اشتراکی هستند باید جلوشان را گرفت بالا گرفتارین ما تطبیق کرده است اعمال آنها را با اعمال اشتراکی و اگر اینها هم باشد باید بوسیله دستگاه اجرائی و بحکم محکمه جلو گیری از انتشار و تأسیس آنها بکنند نه اینکه مردم بریزند آنها را غارت بکنند مثل زمان قدیم که یکی عباتی تنش بود و می گفتند که این عبا بابی شده است و عبا بشار میگردند باید این بساط جمع بشود و دولت دکتر مصدق یک دولت ملی است احق و اولی است باین که این عمل را بکنند بعد از حکومت های سابق که خودشان ایجاد افشاخ و ناامنی میکردند باسم این که راه کرده و نمی دانم که کرده این چیزها را دکتر مصدق باید جلوش را بگیرد که امروز در حکومت او خانه باین عمل داده شود من خیلی متأسفم که در این مجلس تحت احساسات پرشوری که بر علیه دیکتاتوری ایجاد شده هنوز توی این مملکت حقایق را نمی شود گفت ایشان اسم سردار سیه را آوردند خیلی وقت لازم است که یک سردار سیه دیگری در این مملکت پیدا بشود من این ایرادی را هم که شما شهر بانی می گیرید این را عب شهر بانی نمی دانم عب شهر بانی در جاهای دیگری است شهر بانی باید مال دولت باشد باید مطیع دولت باشد باید مجری نظر دولت باشد این حسن شهر بانی است که وقتی که دکتر مصدق باشد درسیلینه باشد تابع نظر او باشد وقتی که رزم آرا باشد این طور باشد وقتی که حکومت دیگری باشد این طور باشد ششپر دولت است ششپر باید در دست هر کسی هست ببرد آن

عیش نیست عیش جای دیگری است  
رئیس - آقای فرامرزى ۱۵ دقیقه هم تمام شد دیگر توضیح نشان و تمام کنید

فرامرزى - تمام می شود من دلم میخواست آقایان باین قسمت هم توجه بکنند  
رئیس - گفتیم که یازده دقیقه هم گذشت توضیح طبق ماده ۹۰ بود وقت آن منتهی یازده دقیقه است - آقای دکتر بقائی - باین که بنده تصمیم نداشتم در این جلسه صحبت بکنم چون در دو مورد اسم حزب زحمتکشان برده شد در اینجا بنده لازم می دانم که توضیح حضور آقایان محترم نمایندگان عرض کنم حزب زحمتکشان ملت ایران در چند ماه پیش یعنی در هفت ماه پیش از اجتماع چندین سازمان وجود آمده است اعضای این سازمان از طبقات روشنفکر و کارگر این مملکت هستند که آقایانی که در تهران تشریف داشتند فعالیت شان را در انتخابات دوره شانزدهم در آن سازمان نظارت آزادی ملاحظه فرمودند که بعضی از آقایانی که به صندوق مراجعه کرده بودند برای دادن رأی خودشان به بنده گفتند که متانت و رفتار اینها قابل توجه است و همیشه در قابل تحریکات مامورین دولت وقت سکوت اختیار میکردند و هیچ از رویه و دستوری که داشتند خارج نمیشدند و بعد از آن هم سازمان هائی که داشتیم که اجرای آن سازمان مبارزه برای ملی کردن صنعت نفت بود بشهادت تمام اهالی تهران رفقای بنده در آنجا فعالیت میکردند و کار می کردند جز متانت و حفظ نظم و آرامش هیچوقت کار دیگری نداشته اند بعد از آنکه ما لازم دانستیم یک حزبی بوجود بیاید برای اینکه بتواند یک مبارزه منطقی و صحیحی در مقابل بعضی دستجاتی که مخالف مصالح مملکت بودند یعنی حزب توده داشته باشند تصمیم گرفتیم که حزب زحمتکشان ملت ایران را درست بکنیم برای اینکه بنده بتجربه شخصی خود و صبحی در مقابل بعضی دستجاتی که مخالف مصالح مملکت بودند یعنی حزب توده داشته باشند تصمیم گرفتیم که حزب زحمتکشان ملت ایران را درست بکنیم برای اینکه بنده بتجربه شخصی خود و صبحی در مقابل بعضی دستجاتی که مخالف مصالح مملکت بودند یعنی حزب توده داشته باشند تصمیم گرفتیم که حزب زحمتکشان ملت ایران را درست بکنیم

بوده که مسلط به چیز مردم هستند و گفتند که اینجا هیچ فایده ای ندارد و اگر بخواهی با سازش با آن افراد یک حزبی تشکیل بدهی آبروی خودت می رود و اگر هم بخواهی بدون سازش با اینها باشد وضعیت قضیه از این قرار است این بود که بنده وقتی که نوی راه می رفتم پیش خود گفتم و فکر کردم که میروم بدفول و یک نطق مختصری می گویم بدون اینکه حمله ای چیزی باشد فقط برای اینکه مساوی عمل آمده باشد ولی وقتی که وارد دفول شدم مصادف با یک منظره ای شدم که یقین دارم هر يك از آقایان هم در آنجا تشریف داشتند همان احساساتی را که بنده دریافت کردم باقیاند جعلی که برای حزب گرفته شده بود در خارج از شهر دفول یعنی تقریباً نیم کیلومتر بیرون شهر است یعنی در مقابل دروازه ای بود که وارد می شدیم بطوری که ما می بایستی از وسط شهر عبور بکنیم و از وسط شهر خارج بشویم و برویم بآن محل حزب در تمام طول این راه که شاید متجاوز از سه کیلومتر می شد مردم دور این اتومبیل می دویدند و سعی می کردند خودشان را برسانند یا توفیق و فریاد می زدند دکتر بقائی ما را نجات بده از دست انگلیس ها و این اگر یک دقیقه دو دقیقه دو دقیقه بود می گفتم خوب یک چیزی ولی من دیدم صد اژدها قلب های شهر بر می آید باین جهت وقتی که بنده وارد حزب شدم خیلی متقلب بودم و در آنجا برخلاف تصدیق می که ابتدا داشتم خیلی نطق بی بو و خاصیت و سوسه بلی که بقول هوام است بکنم مؤثرترین نطقی که بنده در مسافرت خوزستان بر علیه انگلستان کردم در دفول بود مردم آنجا دیدند که یک چیز تازه ای شنیده اند و یک کسی آمده است با انگلیس ها فحش داده بنوکر های انگلیس ها فحش داده حقایق را گفته یک استقبال عجیبی نسبت باین حزب کردند اشخاص مختلفی که منافع خودشان را در خطر شدیدی دیدند يك تلگرافی بآقای نخست وزیر کردند بعد يك تلگرافی بخود من که آقا تو آمده ای اینجا و افقالت کرده اند ما خودمان حزب تشکیل می دادیم و باین حزبی که تشکیل داده ای توده ها را دورتر گرفته اند من چون رویه ام مفهوم است و این دورره ای که با آقایان همکاری داشتم گمان می کنم که آقایان تا اندازه ای رویه بند را می دانند بنده روی قصد و غرض خصوصی اقدام به تشکیل حزب نکردم برای اینکه اگر می خواستم این کار را بکنم احتیاجی به تشکیل حزب نداشتم باین که بسیاری از دوستان عزیز که نهایت لطف را به بنده دارند گفتند وقتی که حزب تو بیک شهر می رسید یکمده ای علاقه مند هستند

یکمده ای کار دارند وقتی که حزب درست کردی در مقابل آن صف تشکیل میشود انجمن تشکیل می شود کرا در دوستان عزیز من از راه مصلحت و راهنمایی این حرف را بمن زدند من از آنها متشکر ولی دیدم که اگر من بخوام در این موقع که مصلحت مملکت است یک حزبی باشد و یک مبارزه اساسی بکنیم عملی نکنم از ترس اینکه دشمنی پیدا نکنم این يك عملی است که از روی خود پرستی انجام شده است باین جهت وارد این مرحله شدم جریان دفول خیلی مفصل است ولی در دو کلمه که منافع آن عده متنفذ معالی که سوابقشان بی اندازه روشن است و سوابق و خدماتشان هم بی اندازه روشن است بخاطر افتاده باین جهت شعبه حزب زحمتکشان دفول را معرفی می کنند يك شبه حزب توده و میگویند که توده ها آمده اند و این جرایانات هم که چند روز پیش اتفاق افتاده بی اندازه باعث تأسف بود و بنده از جناب آقای امیر تیمور و همچنین از جناب آقای نخست وزیر خواهش کردم که يك بازرس بی طرف بفرستند آنجا رسیدگی بکنند و هر کس که مرتکب خلایق شده باشد باید تعقیب شود و تنبیه شود خواه مربوط بحزب زحمتکشان ملت ایران باشد و خواه مربوط نباشد ولی مسلماً من میدانم کسانی که با فکر ما آشنائی پیدا کرده باشند بیرون مرا می که ماترین کردیم هستند دیپلمات وارد این قبیل کارها نمی شوند اما راجع به تهران هم تلویحاً و تصریحاً این جا صحبت هائی نسبت بحزب زحمتکشان شد اطمنان دارم و امیدوارم بزودی مرتکبین واقعه پریروز کشف بشوند و تنبیه بشوند ولی من یک چیز را فقط حضورتان عرض می کنم و بعقل سلیم آقایان واکذار می کنم چون این يك قضیه ای نیست که از ممالک دیگر باشد توی مملکت خودمان است در این مملکت دزدی راهزنی خیلی رواج داشته بعضی از اوقات هنوز هم اتفاق می افتد بعضی پیدا می شوند که راهزنی می کنند جلوی اتومبیل را می گیرند و اخت هان می کنند از آقایان سؤال می کنم هیچوقت شنیده اید که این دزدانی که می آیند و يك جاده ای را می بندند و مردم را اخت میکنند فریاد زنند گوزنه بادرادعلی مراد مرادعلی مراد که عرض کردم يك دزدی بود مال شهر خودمان مال کرمان مدتها راهزنی می کرد البته بعضی از روسای قشونی هم بهش کمک می کردند (فرامرز) - پس چرا وکیل نشده است جای شما بیاید (بجلیس) (سالار) بهزادی - در کرمان معمولاً دزدان را وکیل نمی کنند (همانطور که گفتند آقای فرامرز در کرمان دزدها را وکیل نمی کنند ما هیچ وقت شنیدیم که يك کسی يك عده ای را بفرستند بقاتر اینها وقتی

که مشغول غارت می شوند فریاد زنند باد مراد علی مراد رئیس - وقت شما تمام شد دکتر بقائی - بنده وقت دو ماده ۹۰ دارم یکی مربوط ببینان آقای فرهودی و یکی ماده نو راجع ببینان آقای جمال امامی آن یکی که تمام شد و حالا راجع به تهران که آقای جمال امامی فرمودند عرض می کنم دوسه دقیقه بیشتر نیست هیچوقت دزد ها برای رئیس شان زنده باد نمی گویند یعنی سعی می کنند که آنها را نشانند این اشخاصی که رفته بودند این عمل بسیار تأسف آور را انجام دادند یعنی بچاپخانه ها و روزنامه ها حمله کردند و بنده در این جا از مایم قلب اظهار تأثر می کنم در این عملی که انجام شده فریاد می زده اند که زنده باد حزب زحمت کشان ملت ایران و زنده باد دکتر بقائی و گمان می کنم اگر آقایان يك تانبه خودشان توجه بفرمایند در خواهند یافت که بغرض محال اگر بنده خواسته باشم چنین عملی را مرتکب شوم می گویم آقایان روی تان را ببینید که کسی نشانده (يك نفر از نمایندگان) - پس شهرانی چه می کنند باید بشناسد (باید تعقیب کند و این تعقیب را اول کسی که خواست از شه بانی خودم بودم (فرامرز) - شهرانی مواجب میدهد) رئیس - آقای دکتر بقائی تمام کنید مطالب خودتان را رئیس - آقایان اجازه بفرمائید دو کلمه عرض کنم چون چاپخانه خود بنده هم مورد حمله واقع شده است و هم روزنامه بنده مورد حمله واقع شده است و من مزه این کار را می دانم چیست برای دشمن خودم هم هیچ وقت نه تنها رضائی دهم چنین چیزی بشود بلکه بی اندازه متأسف می شوم و جناب آقای امیر تیمور این جا تشریف دارند و بنده در خدمت ایشان بودم و مقیده ایشان را بنده نباید می کردم که باید جبران خسارت اینها بشود گذشته از این که از بعضی از این روزنامه ها بنده کمال امتنان را دارم و وجودشان را برای حزب خود مقید می دانم برای این که اگر فقط روز نامه های توده ای و چپ بن حمله می کردند می توان بود این تو هم ایجاد بشود برای مردم و خیال کنند که من طرف بلوک آنکلو ساکسون هستم ولی چون بعضی از این روزنامه ها که متضایل بلوک متضلف هستند و اینها هم بن حمله می کردند مسلم می شود راهی که ما داریم می رویم بفتح ایران است و راه میانه است میانه برای ایران منفعت دارد (صفائی) - مقصود

آمریکائی ها هستند ( برای ما امریکائیها فرقی ندارد برای ما خارجی خارجی است عرض کنم حضور آقایان راجع بموضوع حمله بچاپخانه ها و روزنامه ها بنده کمال تأسف را دارم و راجع بآنچه که بنده در مجلس نبودم ولی الان يك یادداشتی نوشته اند که گویا آقای آزاد راجع باقی شش فئات آبادی چیزی گفته و آقای شمس فئات آبادی در همان موقعی که این اتفاقات می افتاد در مجلس خدمت آقای حائری زاده بوده اند و بنده هم خودم در مجلس ایشان را دیدم مقصود این است که این را آقایان دانسته باشند که هر عملی که بد باشد از هر کس سر بزند بد است بنده ارادتی که بآقای فرامرز دارم برای این است که در موقعی که نمی دانم کدام حکومت بود روزنامه های توده ای را دولت جلوشان را گرفت فرامرز روزنامه اش را در اختیار آنها گذاشت آن وقتی که روزنامه ها و قلمها را شکسته بودند فرامرز این کار را کرد در همان موقع من بایشان ارادت پیدا کردم زیرا دیدم يك مرد اصولی است اصول را رعایت میکنند و ما هم میخوانیم که اصولی باشیم هر کس روزنامه حمله کند بچاپخانه حمله کند قابل تعقیب است و آدم بدی است از هر دست و هر جا که می خواهد باشد اگر آدم حرف حساب دارد باید بنویسد و بگوید و با شکستن قلم کار بی شرف نیست دیگر بنده عرضی ندارم (فولادوند) - حدس میزنید که کی کرده است شما وکیل تهران هستید) رئیس - آقای مکی امروز آقایان نمایندگان اکثریت سکوت کردند تا اقلیت حرفهای خودش را بگوید امیدوارم این سکوت اکثریت سرمشقی برای اقلیت باشد و با دیگران هم همینطور جوانمردانه رفتار بکنند (صحیح است) و حربه تهمت و افترا را کنار بگذارند بنده روز پنجشنبه از ساعت صبح در هیئت مختلط بودم (صحیح است) بهشادت آقای نجم الملک آقای سروری آقای دکتر مظفری آقای دکتر شایگان آقای صالح تا دوساعت بعد از ظهر در مجلس بودم اما ساعت ده دقیقه بظهر مانده بود آقای نخست وزیر نامه ای نوشته بودند به هیئت مختلط که ما احتیاج يك ماده واحده ای داریم که مجلس تصویب بکند که بقیر از مشتریان سابق نفت را بشتریان دیگری هم بفروشیم آقای دکتر مظفری گفتند که سوابق قانون را بیاورند شبی که قانون در مجلس مطرح بود معلوم شد پیشنهادی از طرف آقای آشتیانی زاده داده شده بود که مفهومش این بود که فقط باید بشتریان سابق بفروشیم بعد بنده دفاعی بنام مضبر کرده بودم که ما باید نفت را

بفروشیم اگر آنها نخریدند بهر مشتری دیگری خواهیم فروخت و این حق ملت ایران است و ما نمی توانیم تاخیر بیندازیم فروش نفت را این را سوابقش را نگاه کردیم دیدیم که مجلس به پیشنهاد آقای آشتیانی زاده رای گرفته و بنده بآن دفاعی که کرده بودم پیشنهاد ایشان رد شده بود بعد از آن آقایان اعضای محترم هیئت مختلط نفت گفتند ضرورتی بماده واحده ندارد و الان فلانی بلند خود و بیرون این را آقای نخست وزیر بگوید و برگردد (صحیح است) اول فرار بود آقای حسین برود گناه بنده این بود که سورت مجلس را بردم و برگردانم و رفتن و برگشتن بنده هم بیست و پنج دقیقه طول کشید جرمی که این بود که از این خیابان رفته و برگشته است خواستم عرض کنم که آقایان اقلیت خوب است اشخاص را بشناسند (صفائی - از طرف اقلیت گفته نشده) خیلی معذرت می خواهم خیلی متشکرم آن کس که زهر آهنگی است - دانده که متاع ما کجائی است بنده به روزنامه ای که حمله بشود ولو دشمن جدی من که باشد مخالفم جراید آزادند و هر نسبتی را که بهر کس بخواهند بدهند و من کسی بودم که استاد کی کرده که این قانون زنجیر آزادی مطبوعات برداشته بشود و هیچوقت کسی که آفتاب استادی کی کرده بخودش اجازه نمی دهد و بهیچ دولتی هم اجازه نمی دهد که برون به يك روزنامه ای که محل ارتزاق اوست محل کسب اوست محل فکر اوست با حمله کنند و باین عمل هم جدا و شدیداً و قویاً اعتراض دارم و اگر امروز آقایان اقلیت راجع باین موضوع صحبت نمی کردند بنده خودم سوال می کردم (احسن) که نباید يك روزنامه ای حمله کنند و قنارت کنند این کار را بنده امروز اعتراض دارم (صحیح است) بنده مقدم فکر را باید با فکر گویند عقیده را باید با عقیده گویند این منطق بنده است و مطمئن باشید که منطق دولت دکتر مصدق هم همین است (صفائی) آن دومیش را قبول ندارم بنده بآقای امیر تیمور رفتم گفتم خود ایشان می دانند و همان ساعت که حمله شده بود بنده با تلفون از آقای هاشمی حائری از آقای میراشرافی و آتانهائی که بنده دیدم اظهار تأسف کردم و الان هم اظهار تأسف میکنم و از دولت هم می خواهم که مسیبن این واقعه را تعقیب کنند (قاسم فولادوند تمام معلومند) لابد آقای امیر تیمور که اینجا تشریف آورده اند گزارش این موضوع را می دهند ولی من اطمنان بشما می دهم که هیچیک از افراد جبهه ملی و هیچیک از افراد دولت تا آنجائی که من اطلاع دارم با این ماجراجویی ها با این جنجالها موافق نیستند (صفائی) - فقط خودتان را بگویند قبول داریم) من همه را بهشادت میطلبم در این محضر

مقدس و خدا را گواهی میکنم که هیچوقت بنده با این قبیل کارها موافق نبودم و نیستم و تقوایم بود (صحیح است) و وقتی که نزد آقای دکتر مصدق رفتم و در این باره سؤال کردند خیلی اظهار تأسف کردند از این قضایائی که اتفاق افتاده است من این شهادتی است که در معضرت مجلس میدهم و خواستم عرض کنم در مسائل اصولی هیچوقت اقلیت و اکثریت نداریم نسبت باین واقعه هم من با آقایان نمایندگان محترم اقلیت هم فکر هستم و اظهار تأسف میکنم (صحیح است احسن) و امیدوارم که دولت نسبت باین حادثه رسیدگی بکند و تمام نمایندگان اکثریت هم از این حادثه متأسف هستند (صحیح است) (تیموراش ملت ایران متاثر است) و امیدوارم که تکرار نشود و ماجراجویان هم مورد تعقیب قانونی قرار بگیرند (احسن) غلامرضا فولادوند - آقای مکی بولایات هم بخوانند از این دستها بفرستند رئیس - آقای ملک مدنی هم بعنوان ماده ۱۰۹ میخوانند صحبت بفرمایند ملک مدنی - عرض کنم که آقای آشتیانی زاده این جا بیاناتی فرمودند که حزب رستاخیز غارت شده است بنده خواستم توضیحاً عرض کنم از حزب رستاخیز ایران چیزی غارت نشده است در موقعی که جلوی مجلس يك زد و خورد هائی شده است يك چند نفری به حزب رستاخیز رفته اند و از آنجا خارج شده اند و چیزی هم نبرده اند (شوشتری) - تابلورا بر داشتند باخیر؟ تابلو را بعداً بر داشتند عرض کنم ما مبارزه ای با هیچ دسته ای نداشتم این که بیان کردند حزب ملک مدنی (صفائی) شما لیدرشان هستید) حزب مال بنده نیست مال يك عده جوانان و مردمان تحصیل کرده ای هستند که در آنجا اجتماع کرده اند این واقعه جرائد را هم که آقای مکی بتفصیل بیان کردند بنده هم نسبت باین قضیه اظهار تأسف می کنم ما نباید هیچوقت این را دورا باز کنیم که این عمل واقع بشود جرائد آزادند که هر انتقادی را از روی منطق بکنند بقیه بنده هیچ اشکالی ندارد باینباره یا بر علیه رئیس - آقای فرهودی فرهودی - آقای دکتر بقائی فرمودند که اهالی دفول تحت سيطرة انگلیسها هستند (دکتر بقائی) - حال نیستند بر علیه انگلیسها قیام کردند (بشمت هزار نفر اهالی دفول بجه مناسب می گویند اجنبی پرست هستند؟ آقای دکتر بقائی در سفر خوزستان فقط ۲ ساعت در دفول بودند ساعت ۹ شب وارد شده اند ساعت ۱۱ شب از آنجا خارج شده و رفته اند در ظرف ۲ ساعت که آنهم از خستگی راه خسته بودند آنجا تشریف آورده بودند معلوم نشد که چگونه میخواستند که

توجه بفرمایند و بدلیل عقل در خواهند یافت که چگونه بردن دفول تحت امر چند خانواده که مزدور انگلیسها هستند حکومت میشود این را آقایان خودشان بکندری فکر کنند و بنده بیشتر توضیح نمی دهم رئیس - لوله ای را که آقای آشتیانی زاده بمجلس دادند چون مربوط بوظائف شهرداری است بشهرداری احواله میشود (۴) - بیانات آقای وزیر کشور راجع بوقایع ۱۴ آذر و تقدیم يك فقره لایحه فوری راجع بقراری مستمری در باره ورثه سرهنگ نور شاد) رئیس - آقای وزیر کشور صفائی - جناب آقای امیر تیمور متوجه باشید که ملت ایران صدای شما را میشوند وزیر کشور - سوابق هر کس بهترین معرف اوست (صحیح است) بنده قسم بشیر و بهتر عمر خودم را در مجلس شورای ملی گذرانیده ام و ادوار عدیده افتخار خدمتگذاری ملت را در این مجلس داشته ام (صحیح است) نظر به همان سوابق می توانم با اطمینان امروز هم در پیشگاه مجلس شورای ملی عرض کنم که هیچوقت من در پشت تربیون مجلس شورای ملی و در پیشگاه نمایندگان محترم برخلاف راستی صداقت کلمه ای اظهار نکرده ام (صحیح است) و تا زنده ام هم کلمه ای برخلاف راستی و صداقت اظهار نخواهم کرد سرمایه بنده یا کی و تقوی و شعار من حسن خدمت به کشور بوده و خواهد بود (صحیح) - است) آقایان محترم آقایان ناطقین که به همه هان کمال اخلاص و ارادت را دارم و با اقلیشان هم دوست هستم و تحت تأثیر تأسف و تأثر و در تحت تاثیر احساسات بیاناتی در حراته اخیر در اینجا بیان فرمودند که بنده هم بسهم خودم همان مقدار که از جلوی گیری از عوامل آشوب و فتنه و فساد و کسانی که قصد برهم زدن امنیت شهر را داشتند خوشوقت همان اندازه هم از تعرض بچند اداره روزنامه متاثر و متامل هستم و بلکه همان روز هم که بعضی از این آقایان خدمتشان رسیدم حضوراً اظهار تأسف کردم و بهشان قول قطعی دادم که با کمال جدیت موضوع مورد توجه و عنایت قرار گرفته و محرکین و مسببین حتماً معین و بازداشت و بکفر خودشان خواهند رسید (احسن) (وحتی بعضی از آقایان گفتند که من حاضر هستم که از جیب هم شده جبران مالی کنم منظور از این بیان و این مقدمه این بود که عرض کردم که من برخلاف راستی و صداقت در پیشگاه مجلس عرضی نکرده ام برای این نکته بود که این اظهاراتی که در اینجا شد

و نسبت بدولت و بامورین مخصوصا مامورین  
 شهربانی اظهاراتی شدن من ناچارم تکذیب  
 بکنم (یکی از نمایندگان - ناچارید)  
 زیرا که تمام کوشش صادفانه و صمیمانه از  
 طرف مامورین برای از بین بردن عوامل  
 انقلاب و جلوگیری از عوامل فتنه و فساد  
 شده و البته چون موضوع تحت رسیدگی  
 است و بواسطه کمی وقت هنوز پرونده  
 تکمیل نشده است جریان واقعه را در بک  
 موقع دیگر بر عرض مجلس شورای ملی خواهم  
 رساند (صفائی - در دور مقدمه انشاء الله)  
 به آقا اطمینان می دهم که بانهایت سرعت  
 تحت رسیدگی است عده زیادی از کسانی  
 که مرتکب خلاف شده اند بازداشت شده  
 اند و در تحت تحقیق و رسیدگی هستند آقا  
 اگر الان هم بخواهید تشریف بیاورید  
 ممکن است دستور بدهم که پرونده ها را  
 در دسترس جناب عالی بگذارند تا ببینید  
 کوچکترین غفلتی نشده است و مامورین  
 شهربانی مخصوصا بامتهای پاکسی و درستی  
 و بامتهای ایمان و صداقت و از جان گذشته  
 فقط و فقط در راه ایفای وظیفه که عبارت از  
 حفظ نظم و جلوگیری از آشوب بوده  
 است کوشیده اند (صفائی - اگر خدمت  
 نکند تغییرات میدهند) بنده آقای صفائی  
 هیچوقت از کسی تقاضای جاه و مقام نکرده  
 ام و در طلب جاه و مقام نبوده ام (صحیح  
 است) و بجای مقام هم اهمیت نمیدهم  
 شخصیت شخصی خودم را هم مانع این  
 مقامات نمی دانم و برای حفظ حیثیت شخصی  
 هم تمام این مقامات را در گذشته زیر پا  
 گذاشته ام و در آتی هم زیر پا خواهم  
 گذاشت (صحیح است) بکس آقایین  
 بدانند که نقشه ای که ماجراجویان طرح  
 کرده بودند خیلی وسیعتر از این چیزی  
 است که در خاطر جناب عالی ممکن است محسوس  
 شود نظر اینها این بود که در چندین نقطه  
 شهر عناصر مشکوک جنجالی بیا بکنند تا  
 قوای انتظامی تجزیه شده و آن ها  
 وارد میدان بهارستان شوند  
 در حالی که جلسه علنی مجلس شورای ملی  
 تشکیل بود آنها را آزاد بگذارند تا بتوانند  
 نقشه هائی را که داشتند بر حلقه اجرا بگذارند  
 علت اساسی دستبرد در خیابانهای دور و نزدیک  
 نیز همه برای تعقیب چنین نظر بوده است  
 در همان ساعت اجتماع دیگری هم در مقابل  
 یازدهی نخست وزیری تشکیل شده بود  
 گرچه در این حادثه تأسف آور عده ای  
 دستخوش خسارات مالی شده اند و عده ای  
 مصدوم و مجروح شده اند از همه بیشتر  
 مامورین شهربانی صدمه دیده اند و قوای  
 انتظامی با حفظ خون سردی توانست بر مشکلات  
 غلبه کند و امنیت و آرامش شهر را حفظ  
 کند اکنون هم دستور جناب آقای نخست  
 وزیر یک هیئت بازرسی مخصوص تعیین شده  
 که بجزئیات اینگونه احوال رسیدگی نموده  
 و متعلقات از قوانین و مقررات راز هر

دسته ای که باشند مورد تعقیب قرار دهند  
 امیدوارم که بعد از تحقیقات خسارات اشخاصی  
 را که در این حادثه ضرر مالی دیده اند در  
 حدود قانون جبران شود و معرکین مجازات  
 خود برستند تا نظایر این اتفاقات تاثر  
 انگیز دیگر تکرار نشود بنده از وقت  
 استفاده می کنم لایحه ای تهیه شده تقدیم  
 مجلس شورای ملی می شود که درخواست  
 می شود نسبت بپایماندگان سر هتک صادق  
 نوربشار که در حین خدمت مقتول شده است  
 از طرف مجلس یاداش برای وراثت و تعیین  
 شود و از فرصت باز استفاده می کنم و عرض  
 می کنم که مرحوم سر هتک نوری شاد یکی  
 از افسرانی است که مدت عمر خودش را  
 با کمال صداقت و درستی و راستی در راه  
 انجام وظایف معنوی صرف کرده است و  
 این مرحوم بعد از این واقعه که شربت  
 شهادت نوشید از مال دنیا هیچ چیز نداشت  
 و حتی بیراهنی که در تن داشته چندین وصله  
 داشته است حال این لایحه تقدیم می شود  
 امیدوارم که مجلس شورای ملی همانطور که  
 همیشه از خدمتگذاران واقعه کشور تجلیل  
 و تشویق کرده است در این موقع هم  
 نظر خودشان را باز ندارند و استدعا می  
 کنم که در تصویب این لایحه تسریع بشود  
 آقایان نمایندگان محترم بدانند که مامورین  
 شهربانی خدمتگذار آنها هستند و بشما  
 اطمینان می دهم که مامورین شهربانی از  
 کلیه این تهوراتی که آقایان درباره آنها  
 می کنند مبرا هستند و این مردمان شریف  
 درست و خدمتگذار صادق و صمیمی جز  
 اجرای قوانین و جز انجام وظایف از هیچ  
 مصلحتی پیروی نکرده اند و نخواهند کرد  
 و اینها شریف ترین خدمتگذاران این  
 کشور هستند در حادثه دزفول هم که جناب  
 آقای قزوینی بیان کردند متاسفانه از  
 ماه قبل در دزفول یک اختلافاتی ایجاد شده  
 بطوریکه در چهار ماه قبل هم آقای قزوینی  
 از حدوث این اختلافات اطلاعاتی به بنده  
 دادند و به بنده شکایت هم کردند بنده  
 هم تذکر دادم که البته آن موقع مورد توجه  
 دولت هم قرار گرفت متاسفانه این اختلافات  
 بجائی کشیده که اخیرا دو دستگی بهم  
 زده که یک نفر با چاقو مضروب و فوت شده  
 است بنده بلافاصله دستور دادم که مرتکب  
 در هر کجا باشد حتما باید دستگیر شود و  
 دستگیر خواهد شد به آقا هم اطمینان میدهم  
 بمجازات خواهد رسید و انشاء الله هم جای  
 نگرانی باقی نخواهد ماند  
**شوشتری** - در گرگان هم همان روز  
 از توی فرهنگ حرکت کردند  
**وزیر کشور** - بنده بتمام نقاط دستور  
 دادم و اینجا هم پشت تربیون مجلس شورای  
 ملی اعلام می کنم که در هر کجا کلبه عوامل  
 فتنه و فساد و کسانی که در پی اغتشاش و بی  
 نظمی هستند قویا کوشیدم تا آنها را جلو گیری

خواهد شد و در هر مقامی که باشند بازداشت  
 میشوند مصالح عالی ملک فوق همه چیز  
 است و هر حکومتی اولین وظیفه ای که بعده  
 دارد ایجاد امنیت است باید امنیت و مصالح  
 عالی ملک حفظ بشود و مصالح عالی ملک  
 نمیشود دستخوش افراط و تفریطات خصوصی  
 اشخاص و یا دستخوش خصوصیات شخصی  
 (صحیح است) و انشاء الله به آقا اطمینان  
 میدهم که همه اینها جلو گیری خواهد شد  
 در آتی غلبی نزدیک اما باید فرصت داشته  
 باشیم  
**پیراسته** - جناب آقای امیر تیمور  
 آقائی که کارمند شهربانی هستند بخند متشان  
 خانه بدهند  
**وزیر کشور** - به آقا قول میدهم  
 رسیدگی می کنیم اگر چنین چیزی باشد  
 حتما خانه میدهم و قول میدهم به آقا که  
 بنده از چنین جریانی اطلاع ندارم و نمی  
 توانم باور کنم که یک چنین جریانی باشد  
 معذک به آقا قول شرف میدهم که اگر  
 این جریان راست باشد یا جریانی  
 نظیر این باشد آقا جلو گیری خواهد  
 شد  
**پیراسته** - به عکسها هم رسیدگی  
 کنید  
**رئیس** - شما نمی گذارید صحبت  
 کنند آقای وزیر کشور این لایحه با فوریت  
 تقدیم شده یا خیر؟  
**وزیر کشور** - لایحه مالی است بابت  
 فوریت تقدیم شده  
**(۵) طرح فوریت لایحه**  
**مستمری ورثه مرحوم**  
**سر هتک نوری شاد**  
**رئیس** - لایحه قرائت میشود  
 (شرح زیر قرائت شد)  
 ساحت محترم مجلس شورای ملی  
 بطوری که خاطر آقایان مستحضرات  
 (رئیس) آقایان بیرون تشریف نبرید می  
 خواهم با فوریت لایحه رای بگیریم بر  
 اثر حادثه روز پنجشنبه چهاردهم آذر ماه  
 شهربانی کل کشور یکی از افسران شریف  
 و وظیفه شناس و باتقوای خود را از دست داد  
 چون تشویق از خدمتگذاران ملک  
 هواخواه و وجه نظر مجلس شورای ملی و  
 دولت می باشد و این رویه موجب خواهد  
 شد که رشته وحدت ملی محکمت و امیدواری  
 کلیه مستخدمین افزونتر گردد ماده واحده  
 زیر را بقید یک فوریت تقدیم و درخواست  
 تصویب آن را دارم  
 ماده واحده بدولت اجازه داده می  
 شود که برای حکومت بپایانده مرحوم  
 سر هتک دوم صادق نوری شاد که در حادثه  
 چهاردهم آذر در راه انجام وظیفه مجروح  
 و مقتول شده است مبلغ یکصد هزار ریال  
 بوراث قانونی آن مرحوم بلافاصله بپردازد  
 و علاوه مادامی که همسر با دختر او شوهر  
 اختیار نکرده و پسران او مشغول تحصیل

می باشند تمام حقوق و مزایای را که در  
 آخرین ایام خدمت مرحوم نوری شاد میگرفته  
 بآنها پرداخت شود  
 نخست وزیر - دکتر محمد مصدق  
 وزیر کشور - امیر تیمور  
 بجای وزیر دارائی - فروزان  
**رئیس** - فوریت لایحه مطرح  
 است آقای فرامرزی مخالفید؟  
**فرامرزی** - بله مخالفم  
**رئیس** - بفرمائید در فوریت  
 صحبت کنید  
**فرامرزی** - بشرطی که آقای رئیس  
 لطف بفرمایند و اجازه بدهند که من حرفهای  
 خود را بزنم من تنها با فوریت این لایحه  
 مخالفم مخالف این هستم که جبران هر  
 خونی در این ملک بشود برای این که  
 اصل در این ملک بامال شدن خون مردم  
 است ایشان بی انصافی میکنند که می خواهند  
 خون یک کسی را جبران بکنند یا از ورثه اش  
 استمال بشود مبنای این دولت بر این است  
 یعنی مبنای دولتهای این ملک بر این  
 است که قاتل را پیدا کنند و به آنها بپردازند  
 و با حق بدهند که حکومت بکند در این  
 ملک مبتنی کار این ملک این است نه  
 اینکه بیایند و یک حق بدهند که چرا کشته  
 شده بپایان داور راه انجام وظیفه من در این  
 مجلس خصوصی از آقای دکتر مصدق خواستم  
 راجع به واقعه لاری پرونده را از استاد ارتش  
 بخواهند یادگان آنجا گزارش داده استاد  
 ارتش که چه کسی مؤسس قتل است کی  
 قاتل است کی معرک است کی عاملست و  
 سبب چیست هر روز یادگان این گزارش  
 را می دادم به استاد ارتش و در آنجا معین  
 هستند آقای دکتر مصدق سرش را انداخت  
 یائین و جواب نداد برای اینکه نمی خواست  
 پرونده را بخواهد برای اینکه ایشان برای  
 قاتل حق قائل شدند و می بینم ملک کسیکه  
 قتل کرد و جنایت کرد در نظر دولت دارای  
 حقی می شود و در آن محلی که قتل کرده اند  
 می گوید به بنیم اراده قاتل چیست و تابع  
 نظرا و باشیم نمی گویند که کی قتل کرده؟  
 در همین واقعه لاری هم می گویند پرونده  
 که قتل می شود نمی گویند که ما قاتل را می  
 گیریم نمی گویند که ما رسیدگی میکنیم  
 که کی قاتل است می گویند باید زیر و بالا  
 کنیم که قاتل از کی راضی است در آنجا  
 در ملک کتی که قتل این قدر قیمت دارد در  
 ملک کتی که بمقتول فحش می دهند چرا شما  
 می خواهید که احقاق حق یک مقتولی را  
 بکنید؟ گفت حشرک مع الجماعه این نیست  
 بگذارید ورثه این مقتول عیب داشته باشند  
 یعنی مثل سایر مقتولین و مصدومین این ملک  
 حقتان از بین برود این ها را این دست را  
 براه انداختن باین ترتیب اسمش را گذاشتن

مبارزه با حزب توده مبارزه با حزب توده  
 راهش این نیست (صحیح است) الان این  
 تشکیلات و این دستگاه مال عناصر راست  
 است مال عناصر و مخالف حزب توده است  
 کدام یکی از شماها باین دستگاهها و این  
 تشکیلات اعتقاد دارید و می توانید باو تکیه  
 بکنید آنچه حتما حزب توده را یا هر حزب  
 دیگری که باین ترتیب باشد حتما مسلط  
 بر این ملک خواهد کرد این تشکیلات شماست  
 (صحیح است) هیچ دوفتر از شما ها که  
 مدعی هستید با حزب توده مبارزه می کنید  
 پشت سر هم دیگر هستید؟ الان پیراسته را  
 بکنند همین تشکیلات راست خوش را  
 هدو خواهد داد عرض کنم این مردی که  
 کشته شد و من متأسف هستم از این قضیه  
 این مردی که در راه انجام وظیفه اش کشته  
 شده چه مطابق قانون مدنی چه مطابق شرع  
 اسلام شهید است برای اینکه مطابق آیه  
 قرآن آن سربازی که می ایستد و دفاع  
 می کند و عمل میکند برای جلوگیری از  
 اغتشاش و ناامنی و هرج و مرج مطابق قرآن  
 او جهاد در راه خدا می کند و وقتی که کشته  
 می شود شهید است من در این حرفی ندارم  
 و خیلی متأسفم از این موضوع این تذکر  
 را این جا می خواستم بدهم و برای همین هم  
 مخالفت کردم من از قضیه روز پنجشنبه بی  
 اندازه متاثر هستم مخصوصا به آن اصولی  
 که اگر نباشد من نمی توانم در این ملک  
 زندگی بکنم قاعیل من نمی توانم زندگی  
 بکنم این طور بازی شد از این بابت متاثرم  
 و بیشتر متاثر هستم که این بهانه شد برای  
 این که پرونده هر روزنامه مخالف دولت  
 را غارت بکنند اگر دولت در این عمل  
 حرکت داشته است بسیار جای تأسف است  
 و اگر حرکت نداشته آنها دوستان نادانی بوده اند  
 که بسیار بدولت لطمه زدند ولی در همین حال  
 می خواهم بدانم که این دختر ها و این شاگرد  
 ها را چرا هر روز میاورند به میدان  
 گفت کتب العرب و التتال هلنا و علی -  
 القابلات جالذبول

میدان و مبارزه و سپه دادن کار ماست  
 مال مرده است دختران را آوردن و جلو  
 انداختن که مردم در مظنون اخلاقی گیر  
 بکنند تا آنها مقصودشان را پیش ببرند  
 این نامردی است و بعد از آن این شاگرد هائی  
 که هر روز میباید در میدانها برای نمایش و  
 تظاهر آخر سال تکلیف معلم باینها چیست؟  
 آیساره قبولی به اینها بدهد و یا در دهان  
 بکند؟ اگر قبولشان بکند این ها درس  
 نخوانده اند و اگر در شان بکند چاقو به  
 پهلوی معلم فرومی کند کی ناظم این ملک  
 است؟ کی حفظ میکند و ضمیمه را که این  
 طور از نشود؟ و خودش هم تجاوز نکند  
 که این تجاوز بهانه به مخالفتش ندهد که او  
 هم مقابله بپوش بکند  
**رئیس** - آقای فرامرزی وقت  
 جناب عالی قریب باتمام است راجع با فوریت  
 صحبت کنید  
**فرامرزی** - الان عرض می کنم تمام  
 میکنم حتما مربوط با فوریت است برای آن  
 که باین دلیل می خواهم فوریتش رد بشود  
 آقای جمال امامی فرمود که اگر فرامرزی  
 متعصب نباشد تعصب از عصب گرفته شده  
 عصب یعنی رک آدمی که رک نداشته باشد  
 آدم نیست (صحیح است - خنده نمایندگان)  
 این حوادث جراح می دهد؟ برای این  
 رخ می دهد که مردم در این ملک بقول  
 دوست ما و هم شهری ما آقای دکتر صورتگر  
 محتاج قانون ننوخته هستند یک قضایائی  
 هست دکتر صورتگر می گوید قانون  
 ننوخته باید روی آن حکم کند یعنی می  
 گوید اگر این را بپایند بدلیه بدهید که  
 رسیدگی کنند رسیدگی نمی شود تو برو  
 جوی بردار بزن تو سر مرد بکند اسم این  
 کار قانون ننوخته است چون ماعلیه نداریم چون  
 قانون اجرا نمی شود چون خون و مال و ناموس و  
 حیثیت مردم در افراط گمی می شود این اسه که مردم  
 مجبورند خودشان دست به چوب بکنند و بر نهند تو  
 سر هم دیگر و بعد کار باین جا برسد که بقول  
 ایشان یک افسر شریفی کشته بشود چیز  
 های دیگری هم اینجا یاد -  
 داشت کرده بودم که عرض بکنم

ولی از فرمایشات جناب آقای رئیس یه است  
 که اجازه نخواهند داد باین جهت عرض  
 نمی کنم  
**رئیس** - در خود لایحه بفرمائید  
**فرامرزی** - در خود لایحه ممکن  
 است که عرض کنم و اساسا مخالفت خودم  
 را پس گرفتن چرا مخالفت بکنم لایحه ای  
 که برای جبران یعنی برای تسلی خاطر  
 ورثه یک شهیدی بمجلس آمده است  
**رئیس** - آقای کشاورز صدر (محمد  
 علی مسعودی - مخالفان را که پس گرفتند)  
 باید موافق حرف بزنند پیشنهاد نیست  
 وقتی پس بگیرند از بین برود  
**کشاورز صدر** - بنظر بنده این  
 موضوعی که الان مطرح است خصوصا  
 فوریتش و بعد هم اصل موضوع بسیار در  
 تأمین نظم عموم آقایان به اقلیت و چه اکثریت  
 مؤثر است همه داد میزنیم و فریاد می کنیم  
 که امنیت باید باشد همه داد میزنیم که  
 مامورین انتظامی باید قدرت داشته باشند  
 باید تشویق بشوند بایستی که امیدوار باشند  
 تا وظیفه خودشان را انجام بدهند خدای واحد  
 شاهد است همانطوری که جناب آقای مکی  
 فرمودند در طبقه موافقین دولت هم هیچ  
 تردیدی راجع به این اظهارات تأسف و تائیری  
 که از جانب نمایندگان محترم اقلیت در  
 حادثه خرابی و غارت شده است نیست و  
 آقایان هم با اقلیت هم آوازند حادثه روز  
 پنجشنبه که اتفاق افتاد دارای دو جنبه است یکی  
 موضوع وظیفه شناسی مامورین شهربانی  
 است که من خودم همینجا بودم که تمام  
 نمایندگان اقلیت آقای جمال امامی و  
 دیگران اظهار میکردند بر اینکه دولت و  
 شهربانی انصافا خوب استادگی کرد تا  
 منع و جلوگیری کرد از یک دسته ای که  
 بآنها می گوید نباید بیانی و باید اطاعت  
 امر مأمور را بکنی و خوب جلوگیری کرد  
 و اینها را روشن کرد برای اینکه حکمش  
 را بخوانند و مردم تأمین داشته باشند در  
 اینجا تمام نمایندگان اقلیت اظهار رضایت  
 از این کار شهربانی میکردند و راضی  
 بودند اما یک موضوع دیگری

بود که ریختند و رفتند ادارات روزنامه را  
 غارت کردند و مزاحمت قراهم کردند اینها  
 برای هیچکس تردیدی نداود که باید  
 شدیدا مجازات بشوند حتی من معتقدم در  
 خانه صلح و حزب توده اگر کسی احساساتی  
 باشد بایستی که فقط تابلو را بردارند نه  
 اینکه بروند دورا بشکنند شیشه بشکنند  
 هیچکدام از آقایان تردیدی ندارند که  
 شهربانی خوب جلوگیری کرد... (زنك  
 رئیس)  
**رئیس** - آقای کشاورز صدر در  
 اطراف فوریت لایحه صحبت کنید  
**کشاورز صدر** - چشم در اینجا  
 این لایحه که آمده است اگر آقایان  
 فوریتش را تصویب کنند و این لایحه را  
 تصویب بفرمایند جنبه معنوی این لایحه از  
 جنبه مادی آن مهمتر است یعنی تمام مامورین  
 انتظامی متعقد می شوند که مجلس شورای  
 ملی ایران از کسانی که در راه انجام وظیفه  
 خدمت می کنند قدر دانی میکنند و اگر نکنند  
 باعث باس و نومیدی مامورین میشود و تأمین  
 امنیت و آسایش و رفاه مردم نخواهد شد  
**رئیس** - باید رای بگیریم با فوریت  
 ولی عده برای رای کافی نیست  
**دکتر طباطبائی** - اگر آقای کشاورز  
 صدر صحبت نمی فرمودند عده برای رای  
 کافی بود  
**رئیس** - بفرمائید آقایان بیایند تو  
 رای بگیریم (پس از چند دقیقه اکثریت  
 حاصل شد) در فوریت مخالف و موافق  
 صحبت کردند. اعلام رای میشود اول جلسه  
 دیگر رای گرفته میشود  
**(۶) تعیین موقع و دستور جلسه بعد**  
**ختم جلسه**  
**رئیس** - جلسه را ختم میکنیم جلسه  
 آینده روز سه شنبه ۱۹ آذر اول جلسه به  
 فوریت این لایحه رای گرفته می شود  
 بعد هم لوایح دیگر که در دستور بود مطرح  
 می شود  
 (مجلس بکساعت بعد از ظهر ختم شد)  
 رئیس مجلس شورای ملی  
**رضا حکمت**